



سایت جامع پژوهش‌های

حقوق و احیاء

مرجع تخصصی مطالعات ادیان و نقد حقوق دین

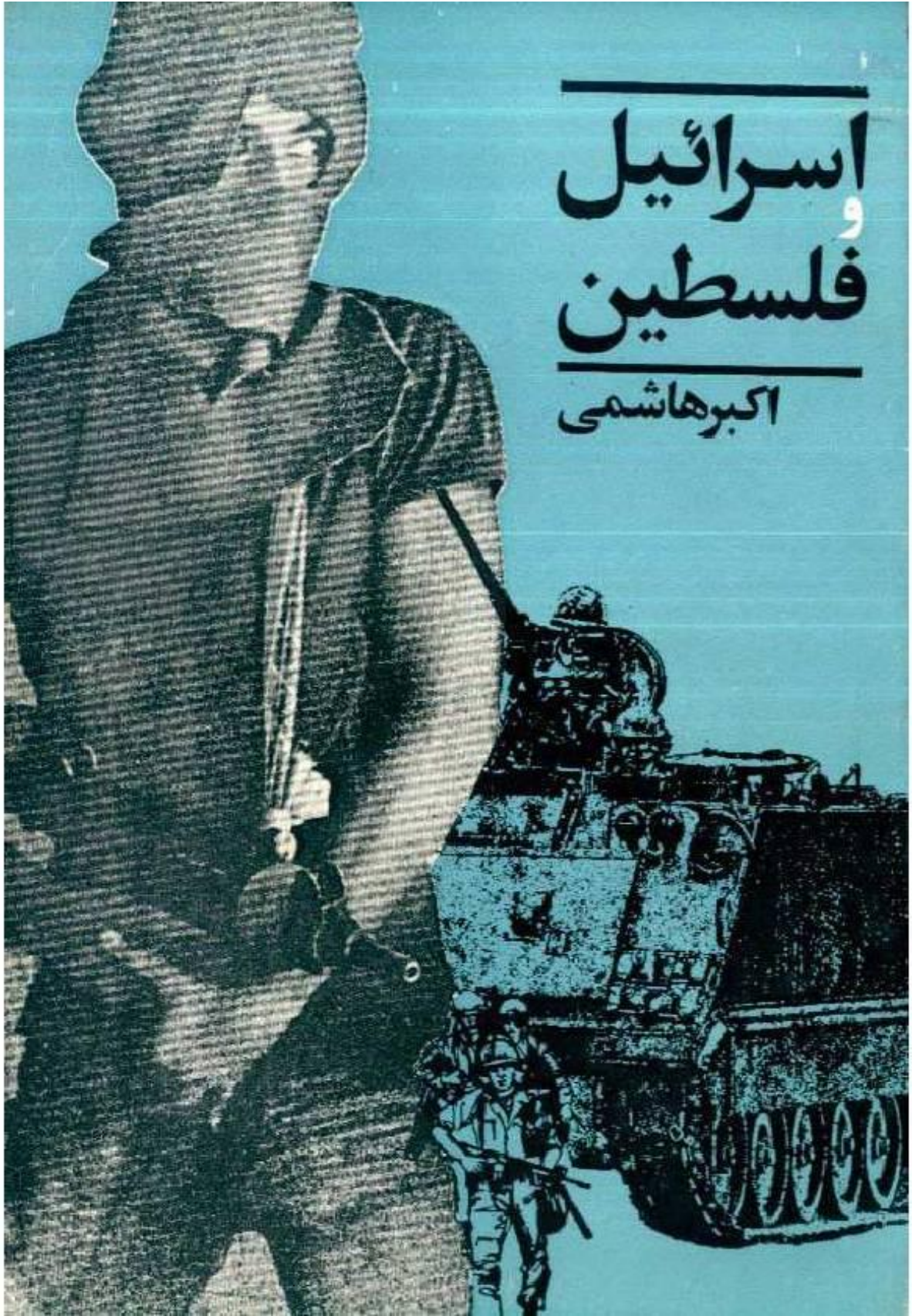


www.Bjes.ir



اسرائیل و فلسطین

اکبرہاشمی



اکبر ہاشمی

اسرائیل و فلسطین

اسرائیل و فلسطین

اسلام در فلسطین - مسیحیان و فلسطین -
 جنگهای صلیبی - ریشه تمدن اروپا - بلای استعمار
 انقلاب اعراب علیه دولت عثمانی اسلامی - قرارداد
 سایکس پیگو - وعده بالفور - عوامی تشکیل
 حکومت غاصب اسرائیل - حیلہ های استعمار -
 مهاجرت یهود به فلسطین - انتقال اراضی به یهود
 امتیازات سیاسی و اقتصادی - شورش اعراب -
 تقسیم هدف نهایی استعمارگران - همه اعراب در
 صف ضد تقسیم - بازهم مکر و حیلہ - امریکا
 و دخالت بیجا - سازمان ملل متحد با شریک جرم
 مدعیان عدالت و ظلم فاحش - انگلستان فلسطین
 را تخلیه میکند - اسرائیل اعلان استقلال میکند
 - کمکهای استعمارگران یا اسرائیل - مسلمانان
 آواره - معمای آواره گان یاروزنه امید - خطر
 یهود - مبارزه با اسرائیل

مشمول بر مباحث

دو هزار و پانصد سال قبل از میلاد، جمعی از اعراب که بعداً بنام کنعانیون و فنیقیون خوانده شدند بنای زندگی را نهادند، و مدت هزار و پانصد سال فلسطین را در دست داشتند، پس از آنها فلسطینیون عبرانیون قضا، حضرت داود، حضرت سلیمان، مملکتی که بنی اسرائیل، مملکتی که یهودا، ملوک فرس، اسکندر مقدونی، مکابیون، انباط، رومیان، برنطه مسلمین، نصاری صلیبی، انگلستان و اسرائیل با ترتیب هریک برای مدتی در این سرزمین حکومت داشته اند.

فلسطین در تمام روی زمین تنها نقطه ایست که در نظر پیروان سه مذهب بزرگ آسمانی مسلمین، نصاری و یهود، در نهایت درجه قداست و ارزش معنویست و بهمین جهت، همیشه مورد توجه اینها بوده و برای تصرف آن و زندگی در آنجا حد اکثر کوشش را مینمودند و لذا این سرزمین بیشتر از هر نقطه دیگر شاهد حوادث و تحولات بوده است.

فلسطین در سینه فراخ خود از تاریخ هریک از ملل مذکور بد و خوبی هائی ضبط کرده. این منطقه مقدس شاهد عظمتها، ذلتها، تمدنها، تعرضها، جنگها، صلحها، فتحها، شکستها، عدلها، استمها بوده و همه حوادث را برای معرفی اقوام و ملل مختلف برای مابینا گار ضبط کرده است و در پیرونده هائی که با اسم هریک از این ملل برای تفاوت باز شود میتواند صادق گویائی باشد.

چون منظور مادر این مقاله اینست که خوانندگان محترم را به ماهیت دولت غاصب اسرائیل که فعلاً مقداری از فلسطین را اشغال کرده

است آشنا کنیم پرونده‌ای که بازبینمائیم طرفین مخصوصه در آن مسلمین و یهودند و نصاری هم در این پرونده نقش شریک ظلم را دارد؛ لذا از سوابق تاریخی فلسطین صرف نظر کرده، فقط بحوادث مربوط باین پرونده اشاره میکنیم و خواننده محترم را دعوت میکنیم که باتوجه بمندرجات این پرونده در سبک رفتار و روح تعلیمات موجود صاحبان پرونده بدون تعصب قضاوت فرماید

اسلام در فلسطین

فلسطین از هفتصد سال قبل از ورود مسلمین بعنوان جزئی از منطقه شام زیر سلطه حکومت رومیان بوده و در زمان طلوع اسلام در اثر محاربات پی در پی که بین روم و ایران در میگرفت وضع بسیار آشفته و منزلقی داشت.

مسلمین با نشاط و تازه نفس با آسانی این سرزمین را از دست رومیان گرفتند، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در اواخر عمر خود لشکری بریاست اسامه بن زید برای فتح شام تهیه دید ولی قبل از آنکه لشکر حرکت کند حضرت وفات نمودند، سپس ابوبکر در تاریخ... باین منظور لشکری اعزام نمود و بآنها دستور داده از جنایت و تند روی اجتناب کنید، نباید که بچه‌ها و پیر مردان و زنان را بکشید، اعضاء بدن کسی را قطع نکنید در ختان را نبرید و قسوزانید حیوانات را بی جهت نکشید، این لشکر قسمت های جنوبی شامات را گرفتند، و

بعد قسمتهای شمالی هم جزء متصرفات اسلامی در آمد .
تواریخ مسلمین و غیر مسلمین و ورود مسلمین را در این منطقه و رفتار آنان
را با ملت مغلوب بسیار ستوده اند ، ما برای نمونه چند جمله از نوشته های
دیگران را همینو یسیم .

دکتر گوستاو لیبون مستشرق معروف مسیحی فرانسوی در کتاب
« تمدن اسلام و عرب » صفحه ۱۵۸ چاپ چهارم میگوید :

« عمر با معدودی وارد شهر بیت المقدس شد از سفر و
نیوس بطریق خواست که با هم رفته مقامات مقدسه را زیارت
کنند و امر کرد منادی ندا کند که حفظ اموال و معابد
این شهر را ما خود عهده دار هستیم حتی مسلمین مجاز نیستند
در کلیساها نماز بخوانند
و در صفحه ۱۸۱ همین کتاب میگوید :

« پس از چهار ماه محاصره سفر و نیوس مجبور به صلح
شد و الی شرط نمود که کلیدهای شهر و قلعه ها را خودش بدست
شخص خلیفه مسلمین بدهد اعراب این شرط را پذیرفته و بخلیفه
ثانی عمر اطلاع دادند عمر تنها از مدینه حرکت نمود و لوازم
او را که شتر و مشک و انبانی از نان جو و برنج و میوه خشک
بیش نبود او وارد بیت المقدس شد و نسبت به مردم شهر با کمال
ملاطفت رفتار نمود در رسوم ، عادات ، مذهب ، جان و مال و مزایع آنها
آزادی کامل داد مسلمین نسبت به سکنه شام تا این اندازه بعض
همدردی بروز دادند که اهالی شیفته این رفتار شدند و بطبعاً بنای
اطاعت را گذاشته تا اینکه بتدریج به میل خود مذهب قدیم
خود را ترک گفته و مذهب و زبان فاتحین را اختیار کردند . »

مسیحیان و فلسطین

نصاری از اینکه سرزمین مقدس فلسطین تحت تصرف مسلمین بود و بین آنان و قبر معبودشان (اینها معتقدند که عیسی (ع) کشته شده و در بیت المقدس مدفون است) جدائی افتاده بود بسیار نگران و مضطرب بودند. تعصبات مذهبی حدود کینه نسبت به مسلمین و عوامل دیگری آنها را برای یک حمله آماده میکرد گرچه مسلمین اغلب مانع آمد و رفت آنان و زیارت اماکن مقدسه نمیشدند مخصوصاً از زمان هرون الرشید که بین او و شارلمان امپراطور فرانسه روابط حسنه برقرار شد نصاری خیلی آزادانه دسته جمعی و انفرادی به بیت المقدس می آمدند و همیشه از خوش رفتاری مسلمین برخوردار بودند.

در آن او آخر تغییر وضع اخلاقی مسلمین مخصوصاً خشونت تر کمانهای صاحب فلسطین از یک طرف و شرارت و بی ادبی و وحشیگریها زائرین نصرانی که اغلب آنها مردم شریر و آلوده ای بودند که تحت تعلیم کشیشها زحمت، سفر فلسطین را برای امحاء گناهان خویش متحمل میشدند، باعث برخورد های شدیدی بین مسلمین و این زائرین شرور میگردد؛ بی تربیتی، وحشیگری، تعصبات مذهبی جبراحت دیده، کینه و حسد مسیحیان از یک طرف، خشونت، غرور، قدرت همراه احساسات دینی مسلمانان از طرف دیگر مرتباً صحنه های فجیع می که اغلب یا همیشه ذلت و شکست مسیحیان را نتیجه میداد ایجاد میکرد.

گوستاویون میگوید یکی از زائرین بنام پیرارمیت که سابقاً سپاهگیری داشته و اخیراً خود را تارک دنیا معرفی کرده بود در صف

یا حربه یونیم کرده و در آتش میسوزانیدند.

برای اینکه خوانندگان محترم خوب بو حشیگری های این سپاه مجاهد آشنا شوند در اینجا عین عبارت دو سه نفر از مورخین مسیحی را که نمیشود حمل بر مبالغه کرد مینویسیم.

گوستا ولیون در صفحه ۴۰۷ همین کتاب میگوید:

قبایح اعمال و کردار مجاهدین صلیب در تمام این لشکر کشیها حقیقه آنها را در ردیف درنده ترین و بیشعور ترین وحشیهای روی زمین قرار داده بود و رفتار آنان با هم عهدان خود، بادشمن، رعایای بیگناه، نظامیان، زنان، اطفال، پیر و جوان یکسان و در یک ردیف قرار گرفته بود، یعنی بدون امتیاز همه را غارت کرده و بقتل میرسانیدند هم او از رو برت راهب که شخصاً در این واقعه حضور داشته عبارت قیل را نقل میکند که میگوید: لشکر مادر گذر هامیدانها و بشت بامها متصل در گشت و حرکت بودند و مثل شیر ماده ای که بچه اش را ربوده باشند از قتل عام لغت میبردند اطفال را پاره پاره کرده و جوان و پیر را در یک ردیف از دم شمشیر میکشیدند و محض تسریع در عمل چندین نفر را یک ریسمان بدام می آویختند سپاهیان ماهر چه را که میافتند قودامی میدادند، شکم مرده ها را پاره کرده، بول و جواهراتی را که سراغ داشتند بیرون میآوردند و بالاخره بوآمون (یکی از سران سپاه) تمام مردمی که در قصر جمع شده بودند احضار کرد، زن، مرد، پیر، ناتوان و بیکاره را از دم شمشیر گذرانید و جوانان را برای فروش بانطاکیه فرستاد.

رهبانان انجام وظیفه مینمود. و در فلسطین شاهد یکی از این صحنه‌ها بود تحت تأثیر شدید واقع شده به‌تکرار انقلابی عظیم علیه مسلمان فلسطین افتاد، برای این منظور از بهترین راه که زمینه موجود داشت یعنی عواطف مذهبی تقریباً تحریک شده نصرانیت، وارد عمل شد با تطقها، گریه‌ها ملاقات‌ها و پشت سر هم اندازیها را بایان کلیسا، سران سپاه‌ها و حکومت‌های اروپا را با خود همراه نمود.

جنگهای صلیبی

سرانجام با شرکت اغلب اصناف و اقوام اروپا لشکر عظیمی به تعداد یک میلیون و سیصد هزار نفر تهیه شد و در سال ۱۰۹۶ میلادی برای نجات بیت المقدس عازم فلسطین گردیدند، این دریای بیکران جمعیت که گویا همه اروپا بطرف آسیا در حرکت است، بسیار بی نظم و ترتیب در حرکت بود در بین راه دوست و دشمن در نظر آنان فرقی نداشت، همه کس را غارت میکردند، میکشند، بدریا میریختند، آتش میزدند مثله میکردند و خلاصه بقدری جنایت و خیانت از آنها سرزده که تمام مورخین مسیحی از اعمال وحشیانه آنها اظهار شرم و نفرت میکنند.

دکتر گوستا ولبون در کتاب تمدن اسلام و عرب صفحه ۴۰۶ چاپ چهارم میگوید، «اینها در آسیای صغیر نسبت به مسلمانان و عیسویان فجایع و حرکات وحشیانه ای مرتکب شدند که در بیان آن غیر از این چیزی نمیتوان گفت که اینها حقیقتاً دیوانه شده بودند» و نیز از آنکو من دختر شاه قسطنطنیه نقل میکند که منجمه از تفریحات این مجاهدین این بود، هر طفلی که در جلوشان پیدا میشد

اینها نمونه جنایاتی است که در بین راه مرتکب شده اند، اما شرارت‌های آنها در فلسطین و مخصوصاً شهربیت المقدس به مراتب از اینها وحشیانه تر و قساوت‌آمیزانه تر است. گوستاو لیبون از نوشته های دایمون اداتریل نقل میکند که پس از شرح مختصری از فجایع صلیبیان میگوید

و قتیکه جمعیت ما برج و باروی شهر را گرفت يك منظره غریب و مهولناکی در مسلمانان ظاهر گردید . . . در گذر ها و میدان های بیت المقدس از سرها و دستها و پاها تلپائی تشکیل یافته و مجاهدین صلیب از روی آنها عبور میکردند . . . ده هزار نفر در مسجد عمر پناهانده شده بودند تمام آنها را طعمه شمشیر قرار دادند در معبد سلیمان بقدری خون جمع شده بود که لاشه های مقتولان در آنها شناور بود . . . مجاهدین با بن هاهم اکتفا نکرده و مجاسی تشکیل داد، طبق تصمیمی که گرفتند تمام سکنه بیت المقدس را اعم از مسلمان، عیسوی، یهودی و فرق دیگر که پیش از شصت هزار نفر بودند بقتل رسانیدند

خواننده محترم یکبار دیگر این فصل را بدقت بخوانید و این رفتار وحشیانه را با خوش رفتاری‌هایی که مسلمین در موقع فتح فلسطین یا ملت مغلوب کردند مقایسه کنید و سپس قضاوت فرمائید

گوستاو لیبون میگوید: در رفتار نصاری با مسلمین این شهر یکی مخالف با آن رفتاری است که عمر خلیفه اسلام در چند قرن پیش هنگام فتح بانصاری این شهر نمود «

با این همه جنایت پس از سه سال در تاریخ ۱۰۹۹ بیت المقدس

را فتح نمودند ولی از یکمیلیون و سیصد هزار جمعیت آنها فقط بیست هزار نفر باقی ماندند و بقیه در اثر جنگهای داخلی و مرضهای طاعون و وبا قحطی ها غرق در دریا و بر خوردهای شدید با طوایف و قبائل مسلمان و غیر مسلمان در بین راه تلف شدند ، خلاصه دنیای مسیحیت در این جنگ با دادن یک میلیون و دویست و هشتاد هزار قربانی و از دست دادن آبرو بیت المقدس را از دست مسلمین بیرون آورد .

اما در اثر نداشتن رهبر لایق و فاقد بودن مقررات سیاسی و اداری و بی اطلاعی از فنون صنعت و تجارت و کشاورزی و سایر وسائل مملکت داری در مدت کوتاهی این بهشت ساخته مسلمین را بصورت همان جهنم اروپای آنروز در آوردند ، نزاعها ، کشمکشها ، ملوک الطوائفی ها ؛ تبعیض ها ، ظلم و ستمها خلاصه نظائر جهل های اروپا در این سرزمین هم رواج پیدا کرد .

مسلمین فرصت را غنیمت شمرده بفکر استرداد فلسطین افتادند و مشغول جنگ شدند ، از اینجا جنگ دوم صلیبی شروع میشود اروپا هر چه نیرو و قدرت داشت یکی پس از دیگری بطرف آسیا به منظور حفظ بیت المقدس فرستاد و همه آنها در لابلای سنگهای عظیم آسیائی که بقدرت اداره مسلمین میچرخید شدند بدین ترتیب هشت جنگ عظیم که تاریخ آنها را بنام **جنگهای صلیبی** ضبط کرده است واقع شد و سر انجام پس از ۸۸ سال پایه های لرزان حکومت صلیب در فلسطین بدست سردار رشید اسلام امیر صلاح الدین ایوبی در هم ریخت و بنای حکومت آنان برای همیشه بر سرشان خراب گردید و با کمال ذلت و

خجالت به بیغوله‌های خویش در انگلستان و فرانسه و آلمان . . . برگشتند و مسلمین از سال ۱۸۷۷ میلادی برای دومین بار حکومت اسلامی را در فلسطین بنا نهاده و عیسویان و یهودیان هم زیر پرچم عدل آنها مشغول زندگی شدند .

ریشه تمدن اروپا

گرچه حمله به فلسطین برای اروپائیان بسیار گران تمام شد و علی الظاهر شکست مفتضحانه‌ای همراه از دست دادن حیثیت خویش خوردند ، ولی باعتراف محققین اروپائی همین تماس با مسلمین و آشنائی با فکر و کار مسلمانان آنها را در راه تکامل و تمدن امروزیشان انداخت و پس از مراجعت از فلسطین با استفاده از مبانی اجتماعی اقتصادی و سیاسی اسلام زندگی تازه‌ای را شروع کردند .

گوستا ولبون در کتاب تمدن اسلام و عرب پس از تاریخچه جنگ‌های صلیبی در باره فوایدیکه بطور غیر مستقیم و بدون توجه اروپا از آسیا برده است در چند مورد بصراحت اعتراف بلکه پافشاری میکند .

در صفحه ۴۲۰ میگوید : بدیهی است این ارتباط دوست ساله مشرق و مغرب برای تمدن اروپا عامل مؤثری بوده است چون در آنوقت مشرق از برکت اسلام اعلی درجه ترقی را دارا بوده و بر عکس اروپا در ظلمت توحش و بربریت فرو رفته بود .

در صفحه ۴۲۴ میگوید : ریشه طرز محکم و پایدار حکومت فعلی انگلستان منتهی بحالات و اسباب خاصی میشود که از

جنگ صلیبی پیدا شده و نیز جنگهای بین اروپا و آسیا در تجارت هم تاثیر نمایانی بخشید

و در صفحه ۴۲۵ میگوید: مشرق در بیشه و هنر هم در ضمن این جریانات تاثیرات مهمه در اروپا نمود در فن نجاری، زرگری شیشه سازی و کاشی کاری که درجه کامل آنها ممکن نیست بدون تخصص صورت گیرد قبل از جنگهای صلیبی در اروپا متخصص فنی وجود نداشت و مسلماً از مشرق آمده است یافتن حریر آلات و رنگرزی عالی که مسلمین در آن تخصص داشتند بعد از جنگ در اروپا رواج یافت بعد از جنگ در طرز معماری اروپا بر مبنای معماری شرق انقلاب کلی روی داده و در صفحه ۴۲۸ میگوید خلاصه ما میتوانیم گفت که همین جنگهای صلیبی اروپا را از عادات و اخلاق رذیله و اطوار و حشبهانه خارج ساخته و زمینه ای در آنها تهیه نمود که بعدها علوم و ادبیات مسلمین که بوسیله دانشکده های اروپا انتشار یافت طوری آنرا بسط داد که بالاخره يك روز در آتیه منشأ رنسانس گردید.

بدین ترتیب اروپا در مسیر تکامل و ترقی پیش میرفت؛ و در مقابل حکومت عظیم اسلامی کم کم در اثر اختلافات داخلی و دور شدن از معارف عالیه اسلام سیر انحطاط در پیش گرفته بود قرنهای این ترقی و تنزل ادامه داشت و بالاخره روزی رسید که کفه اروپا سنگین تر گردید همراه رشد اجتماعی بغض های چندین قرنی اروپا ثیان نسبت به مسلمین نیز رشد می کرد و سرانجام موقع انتقام فرارسید.

بلای استعمار

اروپا از استعمار مناطق دوردست و وحشی و نیم وحشی جهان

در آفریقا و آمریکا ... بقدر کافی بهره برده و خود را تقویت کرده بوده و کم کم نوبت به آسیا رسیده و در فکر تسخیر این قاره افتاد . تنها مانع پیشرفت آنها در آسیا حکومت وسیع عثمانی اسلامی بنظر میرسید ولی این حکومت هم علی رغم همه وسعت و دامنه وسیعی که داشت در اثر جنگهای داخلی پی در پی و تبعیضهای غلط و ناهنجار تركها در مورد نژادهای دیگر در وضع بسیار نامطلوبی قرار داشت .

استعمارگران برای اینکه مبادا روزی ناپسانمانیهای این دولت سامان گیرد و علل ضعف حکومت از میان برود و باز مینههای بسیار خوبی که در آسیا موجود است بازصف نیرومند واحدی از مسلمین در مقابل آنان تشکیل گردد نقشه تجزیه این امپراطوری وسیع را طرح کرده و بسیار ماهرانه و استادانه اجرا نمودند .

بالانراز فکر تجزیه نقشه ایجاد يك حکومت ضد اسلامی در قلب حکومت اسلامی است که بعد از این خواهید دید بصورت دولت اسرائیل در فلسطین چگونه تشکیل میشود .

پس از مطالعه فراوان بهترین عامل را برای انجام مقصود شوم خود پیدا کرده و بدست خورده سلیمین این خاك سیاه را بر مسلمانان ریختند در حالیکه در جنگ اول جهانی حکومت عثمانی با انگلستان و فرانسه مشغول جنگ بود .

انقلاب اعراب علیه حکومت مرکزی اسلامی

در نتیجه بی عدالتیهای حکومت عثمانی و دادن امتیازات فراوان بترکها و رواج با زار تبعیضات بیجای نژادی اغلب فرق غیر ترك

از تر کنازی های اتراک بستوه آمده بودند ، در میان ناراحتی ها جمعیت اعراب از همه بیشتر و مناطق آنان وسیعتر و اگر ادعائی هم میکردند در اثر سوابق ممتدی که در ایجاد و حفظ حکومت اسلامی داشتند بهر قابل قبول بود .

انگلستان این ما در استعمار و مایه اصلی استثمار بشر که این موفقیت را درست ارزیابی کرده بود ، و در همان وقتیکه در جنگ جهانی اول قوای آنان با دولت عثمانی مشغول جنگ بود تصمیم گرفت از نا رضائنی اعراب استفاده کند ، زیر پرده با سران ملی و منتقد اعراب وارد مذاکره شد : و آنان را برای انقلاب علیه حکومت عثمانی تحریک نمود و با آنها وعده مساعدت و همکاری تا سرحد تحصیل استقلال عرب در مقابل ترکها داد ، اعراب با اتکاء باین عهد دست با انقلاب زدند ، آتش انقلاب در تاریخ نهم شعبان ۱۳۳۴ مطابق با ۱۹۱۶ میلادی از حجاز برهبری فیصل شعله ور گردید ، جمعیت فراوان عرب همراه با نا رضائنی های شدید از حکومت ، بی سرو سامانی وضع حکومت و دخالت مستقیم و غیر مستقیم انگلستان و فرانسه ، همه را از عوامل پیشرفت سریع این انقلاب باید شمرد ، خیلی زود دامنه انقلاب از حجاز به سوریه و لبنان ، عراق و فلسطین کشید ، کم کم قوای دولت های انگلستان و فرانسه هم علناً بتقع اعراب مداخله نمودند و قوای دولت عثمانی را باسانی سرکوب و وادار بعقب نشینی میکردند ، اعراب با یکدنبی نشاط در انقلاب جانبازی میکردند و خود را برای یک حکومت عربی وسیع و مستقل که شامل عراق اردن ، سوریه لبنان فلسطین حجاز - بود

آماده میکردند.

قرار داد سایکس بیگو

انقلاب تقریباً به نتیجه رسیده و دست امپراطور عثمانی از فواجی عرب نشین کوتاه شده بود ، و اعراب با انگلستان مشغول مذاکره در باره اعلان استقلال و شناختن انگلستان شدند در این بین وزارت امور خارجه روسیه خبر نقشه های شوم انگلستان و فرانسه را در مورد توطئه ای خائنانه برخلاف تعهداتی که با عرب داشتند به سران اعراب اطلاع داد .

روسیه به اعراب اطلاع داد که انگلستان و فرانسه میراث دولت عثمانی را بین خود تقسیم نموده اند ، خیلی از این قضیه نگذشت که قرار داد معروف سایکس بیگو در تمام عالم منتشر شد و همه فهمیدند که مارك سایکس نماینده انگلستان با جرج بیگو نماینده فرانسه قرار دادی بسته اند و تمام منطقه ای که باسم عرب از دولت عثمانی جدا کرده اند بین خود تقسیم کرده و دولت روسیه هم گواه و مصدق این تقسیم نامه است

اعراب از این نامردی و حيله گری دول استعماری غرق در حیرت گشتند مات و مبهوت گیج شده از فیصل که رابط اصلی بین آنها و بریطانیا بود خواستند که فوری اعتراض کند و توضیح بخواند حسین از انگلستان توضیح قرار سایکس بیگو را مطالبه کرد و تعهدات انگلستان را گوشزد نمود ولی حکومت مکار و حيله باز انگلستان از در مکر وارد شد و قرار داد با فرانسه را ناتمام معرفی کرد و از طرفی بالفور

وزیر خارجه بریتانیا طی تلگرافی که در ۱۸، ۲۱۹ به فیصل مخابره کرد عهد سابق را تجدید نمود و وعده استقلال عرب را با همان قسمها و تعهدات غلاظ و شداد محکم و پابرجا اعلان نمود، ولی عملاً مشغول انجام مقاصد استعماری خود بود و طبق نقشه‌ای که داشتند در هر قسمتی از این منطقه آزاد شده حکومتی را گماردند و بصورت ظاهر تعدد حکومت را مقتضی نظامات لشکری معرقی نموده و می‌گفتند پس از صلح کامل همه این حکومتها زیر یک پرچم عربی اداره خواهد شد و تمام مرزها که فعلاً بمنظور تنظیم وضع لشکر انتخاب شده برچیده خواهد شد

وعده بالفور به یهود

در خلال این جریانات پشت پرده مذاکراتی بین سران یهود که از مدت‌ها قبل در نقشه بدست آوردن حکومتی مستقل در فلسطین بودند و مقامات انگلیسی رد و بدل میشد و سر انجام در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷ وعده ای رسمی با مضامین بالفور و وزیر امور خارجه انگلستان گرفتند دولت انگلستان رسماً تعهد نموده بود که در فلسطین برای یهود یک حکومت مستقل یهودی تشکیل دهد.

این حيله هم خیلی پشت پرده نماقد و بالاخره عربها از آن اطلاع پیدا کردند و سیل اعتراض و استیضاح از طرف سران عرب بسوی انگلستان سرازیر شد، اما استعمارگران مکار این دفعه هم بدروغ و تزویر اعراب را قانع کردند مخصوصاً این مرتبه بیانیتهائی در مورد آزادی اعراب از طرف امریکا و فرانسه هم منتشر گردید و تا حدی خاطر اعراب آسوده

شد و آرام گرفتند؛ ولی استعمارطلبان یا تمام قوی مشغول تهیه مقدمات دونقشه اصلی خود «تجزیه و ایجاد حکومت ضد عربی و اسلامی در قلب ممالک اسلامی شدند».

عوامل تشکیل حکومت غاصب اسرائیل

قرنها بر یهود گذشت در حالیکه در اطراف عالم متفرق و منشت زندگی کرده و معمولاً با وضع اجتماعی نامطلوبی بسر میبردند عده‌ای از شخصیت‌های یهودی تصمیم گرفتند که بین افراد متفرق یهود ارتباطی ایجاد کنند، با امید اینکه قدرتهای پراکنده آنان روزی در نقطه‌ای متمرکز گردد و بوضع اسف بارشان سر و سامانی دهد.

در سال ۱۲۸۶ اولین اجتماع عده‌ای یهودی در ... تشکیل گردید و در آن جلسه بنای حزبی جهانی بنام صهیونیسم بین الملل گذارده شد و سپس فکر تشکیل حکومت یهودی مطرح گردید و بعد از مذاکره زیاد تصمیم گرفتند که مقدمات تشکیل حکومت را در فلسطین درست نمایند و برای شروع کار بناد که افراد یهود حتی الامکان به فلسطین مهاجرت نمایند و هر مقدار که میسر بشود از اراضی آن سر زمین خریداری نمایند.

پس از ارزیابی مختصری که از قوای پراکنده یهود نمودند، بآن نتیجه رسیدند که در ممالک بزرگ دنیا مخصوصاً آمریکا و اروپا قدرت‌های اقتصادی قابل توجهی در اختیار دارند و میتوانند با متشکل کردن این نیرو دستگاه‌های حاکمه ممالک بزرگ را تحت نفوذ قرار داده و از آنها در راه رسیدن به هدف استفاده کنند.

در قدم اول در مقابل پول هنگفتی که سلطان عبدالحمید امپراطور عثمانی وعده کردند از او تقاضا کردند که اجازه توسعه فعالیت در منطقه فلسطین بآنها داده شود ولی سلطان عبدالحمید آنها را جواب کرد، ولی کم کم مهاجرت شروع شد و خریداری زمین هم رفته رفته انجام میگرفت.

برای جلب همکاری دولت های بزرگ نقشه نفوذ در دستگاه حکومت آنها بمرحله عمل گذاشته شد، قبضه وسائل تبلیغاتی و بدست گرفتن منابع اصلی اقتصادی در رأس برنامه آنها قرار داشت با پول فراوانی که یهودهای محنتگر داشتند خیلی باهدف فاصله نداشتند طولی نکشید که در ایالات متحده آمریکا در دستگاه های تبلیغاتی نفوذ فوق العاده ای پیدا کردند.

کتاب خطر جهود صفحه ۱۸۰ بنویسد بسیاری از مطبوعات آمریکا بامستقیم آدرست یهودیان اداره میشد و با پولهای زیاد مدیران آنها را خریده بودند و حدود دویست دستگاه پخش صوت در اختیار داشتند و صداها کمیته وانجمن همکاری ایجاد کرده بودند.

پیدا است با چنین وسائلی افکار ملت بزرگ آمریکا هم قبضه کرده بودند و از احاطه اقتصادی روزنامه البلاد چاپ بغداد در یکی از شماره های خود نوشته بود که در اغلب شرکتهای مهم امریکا سهام زیادی دارند منجمله در کمپانی نفتی بزرگ استاندارد اویل نیوجرسی ۵۵ در صد سهام میباشند و در شرکت نفتی تکزاس ۶۳ درصد از منافع مربوط بآنها است با این دو قدرت مالی و تبلیغاتی که داشتند در مبارزات انتخاب

رئیس جمهور بنفع ترومن کاندید حزب وارد کار شدند و خدمات‌های شایانی در راه موفقیت او انجام دادند و ترومن که موفقیت خود را مرهون خدمات یهودیان میدید قبول مساعدت و همکاری با آنها داده و بعداً هم خیلی خوب عمل نمود .

در اروپا که دولتهای آن بیشتر به پول احتیاج داشتند سازمان صهیونیستی دست یکمکهای فراوان مالی زده و در قسمتهای مختلف حساس مشغول سرمایه گذاری شدند .

و تا آنجا که دستشان بند میشد در پست‌های حساس ممالک بزرگ افراد یهود را بکار و امیداشتند ، که در مواقع لازم از وجود آنها استفاده شود ، روزنامه البلاد نوشت که ۳۸ درصد از کارمندان دولتی آمریکا یهودی هستند .

با این مقدمات ، همکاری و پافشاری دول استعماری در راه تأسیس حکومت صهیونی در فلسطین بسیار طبیعی بنظر می آید .

حیله‌های استعمار .

پس از جنگ جهانی اول انگلستان بعنوان مملکت فاتح (که طبق نظریه سازمان ملل که دولت فاتح حق سرپرستی و قیمومیت دارد) سرپرستی فلسطین را بعهده داشت و کارهای اداری و نظامی در دست او بود ، این قیم عادل و سرپرست دلسوز و مهربان ! پس از تسلط کامل با همفکران استعمارچی خود تصمیم میگیرند که خواسته‌های یهود را عملی سازند .

ابتدا از مردم فلسطین سرشماری بعمل آوردند ، معلوم شد با همه

کوششی که در ظرف سی سال یهودیها برای مهاجرت بفلسطین نموده‌اند فقط شش درصد از مردم فلسطین یهودی میباشند، البته با این اقلیت بسیار ضعیف نمیشود نقشه استقلال یهود عملی گردد، زیرا مقدرات مملکتی که نود و چهار درصد آن مخالف سر سخت رژیم آن باشند هیچوجه قابل اداره نیست.

لذا بفکر توسعه نقشه مهاجرت یهود و انتقال اراضی، و سپردن منابع اساسی اقتصاد و پست‌های حساس مملکت به صهیونیست‌ها افتادند.

مهاجرت یهود بفلسطین

هر چند تاریخ شروع مهاجرت بلافاصله پس از جلسه حزب صهیونیست میباشند ولی در طول این مدت هجرت بصورت بسیار محدودی انجام میشد؛ ولی پس از این سر شماری، دولت بریطانیا یکتفر یهودی را بریاست اداره مهاجرت فلسطین انتصاب نمود و تسهیلات فراوانی برای هجرت و قبول تبعیت فلسطین قائل شد، از این بعد سیل مهاجرین یهود از اطراف بطرف فلسطین سرازیر گردید و اغلب مهاجرین جوانان یهودی بودند که توسط کمیته‌های صهیونی قبلا مسلح میشدند و سپس هجرت اختیار میکردند.

کاتار یواسی یهودی در کتاب اسرائیل مینویسد در سال ۱۲۹۷ عده یهود فلسطین فقط ۴۷ هزار نفر بوده اند و همین کتاب آمار یهود فلسطین در آذر ماه سال ۱۳۳۷ یک میلیون و هشتصد و ده هزار نفر مینویسد البته اغلب این جمعیت در ده سال پس از استقلال اسرائیل هجرت کرده‌اند و در زمان سی سال سرپرستی انگلستان تقریباً ششصد هزار نفر یهودی که

اغلب جوانان مسلح بودند بفلسطین آمدند .

انتقال اراضی به یهود

مانع بزرگی که در سر راه انتقال اراضی بیهود موجود بود فشار اعراب برای منع فروش زمین به افراد بیگانه و مخصوصاً غیر عرب بود که اعراب با نهایت جدیت خواهان اجراء آن بودند ، ولی استعمارگران خود را پاینده این قانون نمیگردند و نهایت کوشش را در انتقال اراضی بیهود مینمودند چون یکی از لوازم تشکیل دولت یهود مالک بودن مقداری زیاد از اراضی بود؛ علاوه مهاجرینی که وارد فلسطین میشدند احتیاج به کار و درآمد داشتند و عربها حاضر نبودند که یهود را در املاک خود بکار بگمارند .

یکی از قدمهای برجسته ای که بریطانیا بدون پروا بنفع یهود برداشت این بود که یکدفعه پنجاه هزار هکتار از اراضی که در دست دولت بوده به جمعیت یهود واگذار نمود و مهاجرین یهودی را در آنجا مشغول کار کرد .

قدم دیگر این استعمارگر بنفع یهود ، این بود که بر محصولات املاک عرب مالیاتهای سنگین و کمر شکن وضع میکرد که اغلب منجر به ورشکستگی مالکین بزرگ و حراج املاک آنان میشد .

ولی عربها باین نقشه شوم پی بردند و برای جلوگیری از فروش اراضی بیهود صندوقی تشکیل دادند و اغلب املاکی که در معرض فروش میآمد خودشان میخریدند و لذا در تمام مدت سی سال حکومت سرپرستی فقط بیست و پنج هزار هکتار زمین از دست مردم فلسطین توانستند

بخرزند .

خلاصه در موقع اعلان استقلال اسرائیل فقط تقریباً شش و نیم در صد از خاک فلسطین به یهود منتقل شده بود یعنی از مجموع دومیلیون و هفتصد هزار هکتار زمین تقریباً یکصد و شصت هزار هکتار زمین را یهود مالک بود که ۶۵ هزار هکتار آنرا در زمان دولت عثمانی خریده بودند و ۵۰ هزار هکتار را سرپرست عادل فلسطین (انگلستان) بآنها هدیه فرموده بود و ۲۵ هزار هکتار هم از مردم فلسطین خریده بودند و بقیه را از مالکینی خریده بودند که در خارج زندگی میکردند

امتیازات سیاسی و اقتصادی

در رأس امتیازات سیاسی که بریطانیا بیهود داد ؛ این بود که در تاریخ ۱۹۲۰ م یکی از رهبران بزرگ حزب صهیونیسم هربرت صموئیل را که از یهودیان متعصب بود بحکومت فلسطین نصب نمود و مقدرات فلسطین را بدست او سپرد ؛ این یهودی با قدرتی که داشت پست اغلب ادارات را به یهودیان یا انگلیسیان طرفدار یهود وا میگذاشت و یلا فاصله زبان عبری را در ردیف زبان عربی و انگلیسی در فلسطین رسمیت داد ، با اینکه تحصیلات مدارس عربی تحت کنترل شدید انگلستان بود بیهودیان استقلال فرهنگی بخشید و دستور داد روی سکه های فلسطین بزبان عبرانی کلمه « اسرائیل » بعنوان ترجمه لفظ « فلسطین » نقش گردد .

در مورد امتیازات اقتصادی اغلب امتیازات اساسی مملکت در زمینه های تولیدی و صنعتی باسم یهود صادر میشد و برای اداره آنها

وامهای طولیل المدقه یا کمکهای بلاهوض بسیار داده میشد و برای تقویت بنیان اقتصادی یهود تسهیلات زیادی جهت صدور محصولات صنعتی و کشتا ورزی آنها درست میشد و در نتیجه اغلب قسمتی از فرآورده های یهود با بازار سیاه بفروش میرسید .

و در مقابل برای صدور محصولات عرب آنقدر تضییقات ایجاد مینمودند که بیشتر منجر به تورم اجناس در بازار گردیده و جنس را از قیمت ساقط میکردند .

وسائل و موادی که مورد احتیاج کارخانجات یا مزارع صهیونیست بود اکثراً بدون گمرک وارد میشد ولی احتیاجات عرب اغلب با گمرک های سنگین و عوارض گزاف بدست آنان میرسید و برای تجار عرب غیر از خسارت و ورشکستگی نتیجه ای نداشت .

یکی از امتیازات مهمی که صهیونیل به یهودیان داد، امتیاز کارخانه بزرگ برق تور بیسی فلسطین بود که برای مدت هفتاد سال از تاریخ ۱۹۲۱م امتیاز انحصاری تولید برق سرتاسر فلسطین بدست يك نفر یهودی داده شد (فقط برق شهر قدس مسنئنی بود ، چونکه در ۱۹۱۴ یکی از رومیان امتیاز آنرا از دولت عثمانی گرفته بود)

بزرگترین امتیازی که در زمینه اقتصادی به یهودیان داده شد امتیاز استخراج املاح بحر متوسط است که در سال ۱۹۲۷ این امتیاز با انحصار یکی از شرکتهای بزرگ یهودی برای مدت ۷۵ سال در آمد و یدینوسیله تولیدات شیمیائی که در قرون جدید از مهمترین منابع ثروت دنیا است بدست این مهمان ناخواسته افتاد نویسنده کتاب

القضية الفلسطينية بعد از آنکه این مطلب رami نویسد اضافه میکند
که اهل قن مقدار در آمد این امنیت را چهارده میلیارد جنیه تخمین
زده اند (تقریباً سیصد میلیارد تومان)

شورش اعراب

طبیعی است که این طرفداری های صریح از یهود و پامال کردن
حقوق اعراب ، برای مردم می که علیه يك حکومت اسلامی بخاطر
همین امتیازات بیجا و فاروا انقلاب بر پا کرده اند و اکنون وضع فا
گوارثی را آنها از دست يك حکومت اجنبی می بینند ، قابل تحمل
نیست .

مظالم حکومت استعماری انگلستان و وحشت از نفوذ فوق العاده
یهود ، اعراب مسلمان و مسیحی را برای انقلاب مهیا کرد مجالس شور
و کمیته های دفاع در اغلب شهر های فلسطین برپا میشد و برای مبارزه
با این مظالم نقشه هایی طرح و اجرا میشد و شورشهایی علیه دستجات
یهود و تظاهراتی علیه حکومت رخ میداد ولی اغلب با دخالت پلیس
انگلستان بفع افراد یهود ، به نتیجه نمیرسید ، در خلال ده سال اول سر
پرستی شورشهای کوچک در شهر های فلسطین علیه یهود و هیئت حاکمه
صورت میگرفت و پس از خاموش شدن مذاکراتی که اغلب بی نتیجه
بود انجام میشد

در سال ۱۹۲۹م انقلاب نسبتاً عظیمی در فلسطین رخ داد و تقریباً
همه مردم فلسطین در این انقلاب همراه بودند ولی باز با حيله های
انگلستان و دخالت سازمان ملل متحد انقلاب خاموش گردید

رفته رفته سوء غرض دولت بریطانیا آفتابی میشد ، و بغض های متراکم در قلوب اعراب بانقجار نزدیک میگردد و آمد و رفت ها و مذاکرات معمول اخنئی و بی اثر میماند ؛ جمعینهای مختلف اعراب در تمام فلسطین بهم پیوستند و کمیته عالی آن بریاست **محمد امین الحسینی مفتی اعظم فلسطین** تشکیل گردید ، و در سال ۱۹۳۶ دستور اعتصاب عمومی صادر گردید

این اعتصاب ، بسیار عالی وحاد انجام گرفت ، زنان ، مردان ، تجار ، کسبه جزء ، صنعتگران ، مدارس ، رانندگان و حتی بسیاری از زندانیان دست با اعتصاب زده و علیه یهود و بریطانیا به تظاهر پرداختند ، در راههای آهن ، لوله های نفت ، تشکیلات دولتی ، پلها ، سیمهای برق و تلگراف و چوبهای تلفن و برق ؛ ... بخرابکاری پرداخته و دستور کمیته عالی از پر داخنین مالیات و اطاعت قوانین حکومت خود داری نمودند مردم سایر کشورهای عربی هم در این شورش کمکهای بزرگی کردند ، علی رغم تهدید ها و فشارهای انگلستان آتش انقلاب هر دم شعله ور و دامنه شورش و سيع تر میشد ، و دیگر گوش مردم فلسطین به وعده های دروغ ارباب استعمار توجهی نداشت خلاصه عرصه را کاملاً بر استعمارگران تنگ کرده بودند .

مکاران استعمارچی حیلۀ جدیدی بکار بستند ، برای خاموش کردن شورشیان سران کشورهای عربی را واسطه نمودند .
تلگرافاتی از جانب عبد العزیز سعودی شاه حجاز ملك غازی سلطان عراق ، امام یحیی پادشاه یمن و امیر عبد الله حاکم اردن بیک مضمون

بکمیتہ عالی فلسطین رسید و همه اظهار اطمینان و امیدواری کردند که انگلستان مصمم است خواسته های اهالی فلسطین را برآورد ، کمیتہ بانظر سران انقلاب دستور آرامش صادر کرد .

و بدین ترتیب اعتصاب و انقلاب عظیم ۱۹۳۶ پس از شش ماه ، با دادن بیش از هزار شهید و متجاوز از سه هزار زندانی بازجر شکست و خواسته های اعراب توسط سران کشورهای عرب ، بشرح ذیل بدولت بریطانیا گزارش داده شد :

- ۱- بطور کلی از مهاجرت یهود بفلسطین اکیداً جلوگیری شود
- ۲- اراضی فلسطین بهیچوجه به یهودمنتقل نگردد ۳ بحکومت سرپرستی انگلستان خاتمه داده شود و حکومت مستقل عربی تشکیل گردد .

تقسیم ، هدف نهائی استعمارگران

در بار انگلستان ، در ظاهر برای رسیدگی بخواسته های عرب و پیدا کردن راه تحقق آن ، و درواقع بمنظور عملی ساختن غرض اصلی خود ، هیت یازرسی به فلسطین فرستاد ، این هیئت بی غرض ! و واقع جوا! پس از مدتی مطالعه (نقشه کشی) گزارش مبسوطی به مقامات عالیہ تسلیم نموده دراین گزارش پس از يك مشت عوام فریبی و ظاهر سازی بصورت تشریح خواسته های عرب ، علل انقلاب ، اعتراف بحقوق عرب و راههای حل مشکل ، هدف نهائی استعمارگران را بصورت پیشنهاد بعرض دولت رسانید .

ماهرانه پس از بیان راه حل چنین اضافه کرد : همه اینها که گفتیم ، برای این درد فلسطین فقط خاصیت مسکن را دارد لذا

پیشنهاد میکنیم : معالجهٔ اساسی اینست که فلسطین تقسیم شود ، يك دولت عربی یهودی و يك قسمت هم در دست بریطانیایا بقی باشد .
دولت انگلستان طی اعلامیه‌ای نظر بازرسان دربار را منتشر و موافقت خود را با پیشنهاد تقسیم رسماً اعلام نمود...

و بدنبال آن : ایدن وزیر امور خارجه آن کشور ، در سازمان ملل ، تصمیم دولت انگلستان را اعلان و تشریح کرد مورد اعتراض شدید نمایندگان دولتهای عربی واقع شد نمایندهٔ دولت عراق گفت : شما اگر میخواهید خدمتهای یهود را تلافی کنید خوبست که در همان اروپا منطقه‌ای را بآنها دهید نه اینکه از جیب مردم آسیا حاتم بخشی بفرمائید .

همهٔ اعراب در صف ضد تقسیم

اعلان نقشهٔ تقسیم فلسطین ، طوفانی بود که امواج عظیم خشم و غضب و نفرت عموم اعراب بلکه مسلمین جهان را علیه یهود و بریطانیا بجوش و خروش در آورد ، همه دولتهای عربی رسماً اعلام کردند که حادثه فلسطین مخصوص مردم آندیار نیست ؛ بلکه يك مسئلهٔ عربی است و همه در آن سهیم اند .

بمنظور هماهنگ کردن فعالیت های اعراب مجلسی باشركت نمایندگان مصر ، عراق سوریه ، لبنان ، اردن فلسطین و بلاد مغرب در سوریه تشکیل گردید ، و پس از مذاکره برای نجات فلسطین اقدامات دامنه داری شروع کردند و بلافاصله از تمام ممالك عربی افراد مسلح بصورت داو طلب بخاك فلسطین وارد گردیدند و انصافاً در راه نجات

فلسطین مجاهدت کافی نمودند و عرصه را بر انگلستان و مخصوصاً یهود در فلسطین تنگ کردند و با دادن تلفات زیاد و تلف کردن بسیاری از قوای ظالم استعمار، انگلستان را بصورت ظاهر مجبور بعقب نشینی کردند.

باز هم مکر و حيله

انگلستان در ۹ نوامبر ۱۹۳۸ اعلان نمود؛ : عملاً اثبات شد که فکر تقسیم فلسطین قابل اجرا نیست و لذا از این فکر صرف نظر کردیم و برای حل نهائی مشغول پیدا کردن راه دیگر که بمنافع اعراب برخورد نداشته باشد هستیم.

روح مطلب اینست که برای محکم کردن جای پای یهود در فلسطین احتیاج به مدت طولانی احساس شده بود و همه این مذاکرات اعزام پازرس وعده ها و سائلی بود که عرب بهار اسر گرم کنند و در پشت پرده بشدت مشغول انجام نقشه بودند؛ بیست سال را به همین طریق گذراندند و مقدار زیادی هم بهدف نزدیک شده بودند.

در تعقیب همان حيله گذراندن وقت و سر گرم کردن اعراب، وزارت مستعمرات انگلستان سران عرب و یهود را بعنوان حل مشکل فلسطین بلندن دعوت نمود، و روز هفتم فبریه ۱۹۳۹ اولین جلسه باشرکت نمایندگان عراق؛ مصر، اردن و یمن تشکیل گردید، پس از چندین جلسه و گفت شنود، انگلستان يك تعهد رسمی با اعراب داد که دولت عربی مستقلى در فلسطین تشکیل شود، ولی ریشه مکر اینجاست که با لطائف الحیل اعراب را قانع نمود که این عمل احتیاج به ده سال وقت

دارد که کم کم حکومت را بدست آنها واگذار نماید و تعلیمات لازمه را در باره مسائل مملکت داری بگیرند و برای اداره مملکت پرورش کافی یابند ، و بعد معلوم شد که این مهلت طولانی برای تحکیم وضع بین المللی یهود بوده است .

ایالات متحده و دخالت بیجا

تا کنون انگلستان زیر سرپوش قیمومت ، که جنبه قانون بین المللی داشت ، در فلسطین مداخله میکرد ؛ و برای حفظ ظاهر مجبور بود که خیلی کند بسوی هدف پیشروی کند ، کم کم فشار یهود در آمریکا و اروپا بدولت های وقت ، مجال احتیاط و ظاهر سازی را از دول استعمار گر ، گرفت ، خدمات برجسته صهیونیست های آمریکا برای موفقیت ترومن در مبارزات انتخاباتی رئیس جمهور ، و فعل انفعالات بسیار دیگری که در پشت پرده انجام میگرفت ، عجله را برای استعمار گران تجویر میکرد در سال ۱۹۴۵ نامه ای از ترومن رئیس جمهور آمریکا به مستو اتلی نخست وزیر بریطا قیارسید که با صراحت و پافشاری خواستار آزادی کامل مهاجرت و تقویت یهود شده بود ، بدنبال آن مستر بیفن وزیر امور خارجه انگلستان در مجلس عوام ، بدون در نظر گرفتن قرارداد اعراب ؛ اعلان کرد که مشکله فلسطین ، با همکاری آمریکا و انگلستان حل خواهد شد برای این منظور هیئتی مرکب از مستشاران امریکائی و انگلیسی مشغول نقشه کشی میشوند و نتیجه به سازمان ملل متحد ارجاع میگردد و این عدالت خانه بمقتضی عدالت رفتار خواهد کرد !!

سازمان ملل متحد یا شریک ظالمین

معلوم است که نتیجه مذاکرات همان هدف اولی استعمارچیان است و باید فلسطین تقسیم شود، سرانجام طرح تقسیم تهیه شد، و به سازمان ملل متحد ارجاع گردید و در سال ۱۹۴۷ با اکثریت ضعیفی آنهم با فشار دول بزرگ تصویب رسید (۱) سازمان ملل هیئتی مرکب از یازده نفر برای ترسیم خطوط تقسیم به فلسطین اعزام نموده، آنطور که مایل بودند نقشه تقسیم را تنظیم کردند، ناگفته پیداست در مقابل نعره های عدالت که از حلقوم قراخ سازمان خارج میشد و ظنن آن دنیا را گرفته بود، ناله های ضعیف عدالتخواهی اعراب بجائی نمیرسید و بدین ترتیب سازمان ملل هم با ظالمین همگام میشود.

«تحويل و تحول»

طبق قرار دادی که شده، و نظری که سازمان ملل داده بود انگلستان اعلان کرد که در روز ۱۵ مه ۱۹۴۸ فلسطین را تخلیه کرده و جای خود را به سازمان ملل متحد میدهد، ابتدا تخلیه از شهرهایی که بیشتر آن یهود بودند صورت میگرفت و با پروئی تمام از روی هرچه دست برمیداشت، دست یهود را گرفته و روی آن میگذاشت؛ و بسیاری از اسباب و وسائل ادارات و اسلحه های خود را بیهوده می بخشید، و قسمتی

(۱) وقت جلسه روز ۲۶ نوامبر معلوم شده بود آنروز معلوم شد که اکثریت لازم برای نصاب صدور رأی در آراء موافق تقسیم فلسطین نیست لذا ترومن تقاضای تأخیر سه روز نمود و رئیس سازمان موافقت نمود در ظرف سه روز امریکا با فشار وعده، تطبیع، تهدید نصاب را درست کرد

از طیارات بمب افراز و مواد متفجره و اسلحه های مدرن را هم با قیمت ارزانی بیهود فروختند و رسماً اعلام کردند که تاساعنی که برای خروج کامل معین نموده اند ، يك نفر از سر بازان عرب حق ورود یفلسطین را ندارند و قبل از این تاریخ ، هر تظاهر نظامی که رخ دهد ، انگلستان آنرا جنگ با خود تلقی کرده و بشدت میکوبد ، یهود که خود را از مجازات معاف میدانستند ، با اشاره ارباب در این چند روز ، چند حمله و حشیانه بمناطق عرب نشین کرده و مخصوصاً در دیر یاسین در يك حمله ۲۵۰ نفر را سر بریدند ؛ و ده ها هزار نفر را آواره کردند ، در ناصر الدین هم صدها نفر را کشته و ده ها هزار نفر آواره کردند ، خلاصه تحت حمایت بریطانیا در این چند روز جنایات فراوانی کرده نزدیک هزار نفر کشتند و صدها هزار نفر آواره کردند و آنچه مینوانستند غارت کردند همه این آوارگان با انتظار ۱۵ مه بودند که انگلستان برود و آنها پر گشته انتقام گیرند .

اعلان استقلال اسرائیل

در همان نیمه شب ۲۵ / ۲ / ۱۳۲۷ مطابق با ۱۵ مه ۱۹۴۸ میلادی که انگلستان خاک فلسطین را ترك نمود ، یهودیان بنام دولت اسرائیل در خاک فلسطین اعلان استقلال کردند ، و بخيال خود همه فلسطین را زیر پرچم خود میدیدند .

بلا فاصله ارتش های مصر ، عراق ، سوریه ، سعودی ، سودانی ، لیبی ، اردن و لبنان که پشت مرز های فلسطین ؛ یا انتظار رفتن انگلستان بحال آماده باش بودند ، همراه با آواره هایی که همان چند روز قبل

خانه و املاک خود را ترك گفته بودند، از شمال و شرق و جنوب وارد فلسطین شدند؛ و بدون توجه به اندرزهای مزورانه سازمان ملل که مرتب آنها را دعوت بآرامش میکرد قوای یهود را در اغلب جاها محاصره کرده و نیروهای هوایی مصر و عراق بسیاری از مراکز یهود را زیر بمب گرفتند. در ظرف دو هفته همه آنچه را که یهود زیادتر از قرار تقسیم گرفته بودند پس گرفته و خیلی جاهای دیگر هم یهود را عقب راندند. انگلستان که همه نقشه های سی ساله خود را نقش بر آب می دید در سازمان ملل، با شدت مشغول فعالیت شد، چون هر راه دیگری را برای ایجاد آرامش مسدود دید دست با ولتیماتوم زد و اعراب را تحدید کرد که اگر جنگ خاتمه نیابد قرار دادهائی که از سابق با آنها در مورد فروش اسلحه داشته نقض میکنند و دیگر اسلحه بآنها نمیدهد سرانجام با فعالیت شدید انگلستان و آمریکا و سازمان ملل، اعراب دستور آتش بس را برای چهار هفته پذیرفتند و ۱۳۲۷/۳/۵ جنگ متوقف شد.

بعد از آنکه جنگ بعد شروع شد، اعراب فهمیدند که این آتش بس تا چه حد ضرر آنها و نفع یهود تمام شده است در این مدت کوتاه صلح، شبکه آموزشی که بحمايت دول بزرگ تنظیم شده بود؛ مقدار زیادی اسلحه های مدرن بیهود رساندند از آمریکا، انگلستان فرانسه، یونان، ایتالیا. در راه خشکی و دریا بسوی یهود سیل اسلحه سرازیر بود، عده زیادی کار شناس نظامی نیز به جمعیت پیوست، و با نقشه های اساسی خطوط جنگ را برای جبهه یهود تنظیم کردند.

پس از تحکیم وضع اسرائیل دو سه مرتبه دیگر محارباتی بین اعراب و اسرائیل واقع شد ، و قریب هشت ماه محاربات طول کشید تنها نتیجه‌ای که عاید شد این بود که از غصب کامل فلسطین جلوگیری کردند . و قسمتی از فلسطین را در دست مسلمین نگه داشتند و این خود مایه امید است که روزی از این نقطه آتشی شعله گیرد و دستگاه اسرائیل غاصب را طعمه حریق کند .

مدعیان عدالت و ظلم فاحش

بایک نظر به تصویبنامه تقسیم فلسطین در سازمان ملل ، اعمال غرض و قضاوت یکطرفه بچشم میخورد ؛ صرف نظر از اینکه اصل تقسیم عملی ظالمانه است ؛ نحوه تقسیم ظلم دیگری است ، که بدست این عدالتخانه اجرا شده است .

آن روزی که لایحه تقسیم به تصویب سازمان رسید ، در فلسطین ۶۲۹۰۰۰ نفر یهودی و ۱۳۱۹۰۰۰ عربی وجود داشتند ، یعنی جمعیت عرب بیش از دو برابر یهود بوده و انگهی این اقلیت یهود فقط مالک ۶/۶ در صد از اراضی بودند و بقیه ۴ ر ۹۳ در صد اراضی متعلق باعراب بود .

ولی این مدعیان عدالت اجتماعی با توجه بموضوع ، اصلاً تناسب را در تقسیم مراعات نکرده ، و چنان ظلم فاحشی را مرتکب شدند که غرض و دردی آنها آفتابی است .

در نقشه تقسیم ۱۴۲۰۰ کیلو متر مربع از مساحت فلسطین در سهمیه یهود بود و فقط ۱۲۰۰۰ کیلو متر مربع برای اکثریت عرب

منظور شده بود ، علاوه بر این سازمان ملل ، دستور صادر فرمود ؛
 ۴۶۰۰۰ هزار عربی که در منطقه یهودی واقع میشوند ؛ با ۱۱۰۰۰
 هزار یهودی که در منطقه عربی واقعند مبادله شوند ؛ یعنی برای خاطر
 خوش آیند دول قوی حکم کرد که پیش از چهل برابر تعداد یهودی
 که از منطقه عربی بیرون میروند ، از اعراب منطقه یهود دست از خانه
 و آشیانه خویش بردارند و بجای دیگر روند زهی عدالت و انسانیت !!
 از این بالاتر ، و قتیکه یهود جای پای خود را محکم کرد باین
 تقسیم هم راضی نبود و از سهمیه ای که سازمان ملل برای او معین کرده
 بود و ۵۶ درصد از مساحت مجموع فلسطین بود ، تجاوز نمود و تصرفات
 خود را به ۷۰ درصد از خاک فلسطین افزایش داد ، سازمان ملل ، که
 برای یکرسی نشانیدن نظر خود اعراب را تهدید به دخالت مسلحانه
 میکرد ، همه اینها را میدید و فقط وقتی که فشار افکار مسلمین شدت
 میگرفت ، با صدور کردن يك ملالت نامه علیه اسرائیل ، شانه از زیر بار
 مسؤولیت خالی مینمود (۱) .

کمکهای استعمارگران به اسرائیل

تعبیر بلفظه «کمک» در مورد این دولت پوشالی مخلوق استعمار ،

(۱) وسعت خاک فلسطین ۲۷۰۲۴ کیلو متر مربع است ، ۲۰۸۵۰ کیلو متر آن که قریب هفتاد درصد است فعلاً تحت تصرف یهود است و بقیه
 سی درصد آن که تقریباً ۶۵۰۰ کیلو متر مربع است ، در تصرف مسلمین
 باقی مانده که قسمتی از آن که استان غزه است توسط مصر اداره میشود و بقیه
 توسط اردن هاشمی

ویرای مصالح استعمار است، با اینکه تعبیر نارسائی است، ولی لفظی هم غیر از این برای عنوان این فصل بنظر نمیرسد، در این چاپ چند نمونه از ختمتهای علنی آنها اشاره میشود:

۱- پس از اعلان استقلال، باافاصله، دولت آمریکا - اسرائیل غاصب را برسمیت شناخت: و تا آنجا که تیغش می برید بدول دیگر هم توصیه نمود.

۲- دو ماه بعد، همین دولت توسط بانک توسعه صادرات در تاریخ ۲۹/۴/۱۳۲۷ صد میلیون دلار با اسرائیل کمک نمود، در تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۵۲ م هاندرسن نماینده رسمی وزارت تجارت آمریکا اعلان کرد که مجموع کمکهای بلاعوض و وام آمریکا در چهار سال بین ۱۹۴۸ و ۱۹۵۲ به اسرائیل هزار میلیون دلار است

۳- در تاریخ ۲۱/۲/۱۳۲۸ یکسال پس از اعلان استقلال با همه مخالفتهایی که از طرف دول مسلمین و رفقایشان میشد، با فشار دول قوی اسرائیل را عضویت سازمان ملل پذیرفتند.

۴- وزیرای خارجه آمریکا، انگلستان، فرانسه، در سال ۱۳۲۹ دو سال پس از استقلال اسرائیل و تجاوزاتش برای تثبیت مرزهای او کنفرانسی در لندن تشکیل داده، مرزهای موجود خاور میانه را برسمیت شناخته و تضمین نمودند

۵- حزب منفور بهائی را که آنها ساخته خودشان است، وادار کردند که عکای اسرائیل را هرگز فعالیت قرار داده و در همه جای دنیا این دو حزب میثوم و مقسده جورا بهمکاری وادار مینمایند.

۶. تا موقعیکه از خطر نفوذ شوروی در خاور میانه نمیترسیدند، یا با اعراب اسلحه نمیدادند و یا اسلحه‌هایی میدادند که در موقع دعوی منجر بشکست آنها میگشت، و از موقعی که خطر شوروی احساس شد، با اینکه سبب اسلحه را بسوی اعراب سرازیر کرده اند، همیشه يك نوع جدید اسلحه به اسرائیل میدهند که در ارتش اعراب نباشد. اینروزها که خبر کارخانه جت‌سازی مصر و خبر موفقیت مصر در ساختن موشک و سلاح‌های اتمی و میکروبی به‌مکاری کارشناسان نظامی آلمان فدرال، پخش شده، دول غرب هم اعلان نمودند که بهانه حفظ موازنه در خاور میانه، موشک به اسرائیل خواهند فروخت روزنامه اطلاعات در شماره ۱۱۰۵۷ و رادیو ایران در اخبار تاریخ ۱۳۴۲/۱/۱۴ این خبر را بصورت تصمیم آمریکا پخش کردند ولی رادیو صدای آلمان در برنامه فارسی ۱۵/ از ۱۳۴۲ فاش کرد که قرار تحویل موشک بین اسرائیل و آمریکا منعقد شده و کمندی رئیس جمهور آمریکا هم در مصاحبه مطبوعاتی مورخ ۱۶/ ۱/ ۴۲ باین موضوع اشاره کرد.

آوارسان

یکی از اسف‌بارترین آثارشوم غصب فلسطین، حادثه آوارگی و ویلانی، بیش از یک میلیون نفر از مسلمانان مظلوم است؛ اغلب اینها در اثر حمله‌هایی که در همان اوائل استقلال اسرائیل به شهرها یا دهات و یا محله‌های عرب‌نشین میشد مجبور بترک تمام هستی خود شده و به کشور های دیگر یا منطقه عربی فلسطین گریخته‌اند، اینها که تمام موجودی خود را در دست دشمنان ردل خود گذاشته‌اند، خود با دست خالی با فقر و

هشفت جانفروسا زندگی مینمایند .

۴۳۰ هزار از این مسلمانان ، فعلا در آن قسمت فلسطین که بدست اعراب است میباشند و ۱۰۰ هزار نفر در اردن بسر میبرند ، ۱۱۰ هزار نفر از آنها به لبنان پناه برده و ۱۰۰ هزار هم در سوریه زندگی میکنند ، قریب ۲۱۰ هزار باستان عزه که در دست مصر است آواره شده و بیش از ده هزار نفر در ممالک مصر و عراق حجاز . . . پراکنده شده اند . و نزدیک ۲۸۰ هزار نفر هم هنوز از مسلمانان و مسیحیان عرب در منطقه اسرائیل باقی مانده ، و تحت فشار و ایجاد نا راحتی ها و تبعیضات ظالمانه آن حکومت بمرگ تدریجی ادامه میدهند .

طبق صورتبکه اتحادیه عرب : از اموال اعراب آواره که بدست یهود مانده است ، تنظیم نموده به قیمت آن روز قیمت مجموع تر که آنها یک بیلیون و نهصد و چهل و سه میلیون لیره استرلینگ است ۱/۹۴۳۰۰۰/۰۰۰ لیره بقرار ذیل :

ارزش دوازده هزار و شصت هکتار باغات بر تقال و متعلقات ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ لیره	
یکصد هکتار باغات موز	» ۱/۰۰۰/۰۰۰
پنجاد و سه هزار شصت هکتار باغات زیتون و متفرقه	» ۲۷۵/۰۰۰/۰۰۰
پانصد هکتار اراضی زراعتی	» ۳۰/۰۰۰/۰۰۰
یک میلیون و دویست و سی هزار هکتار مراعی	» ۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰
تمام منازل و مستغلات	» ۱۱/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰
اموال متقول از اثاث و جواهرات و غیره	» ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰
حسابهای مسدود شده اعراب در بانک انگلیس مقیم اسرائیل	» ۶/۰۰۰/۰۰۰
حسابهای مسدود نزد شرکتها و ودایع موجود در شرکت بیمه	» ۱/۰۰۰/۰۰۰
جمع	» ۱/۹۴۳/۰۰۰/۰۰۰

صاحبان این ثروت هنگفت در بلاد غربت، یا در بیابانها ویلان و سرگردان بسر میبرند، و با وضعی زندگی میکنند که راسنی عقب مانده ترین و وحشی ترین مردم مناطق دنیا بر ایشان ترحم میکند. متجاوز از سیصد هزار نفر، از صاحبان این ثروت هنوز در بیابان فلسطین، در چادرهایی که سازمان ملل برایشان تهیه کرده و سردی زمستان و گرمای تابستان آنها را رنج میدهد، بسر میبرند، و از معرعات و کمکهای ملل دیگر و احیاناً صدقات و . . قوت لایموتی بدست می آورند، فرهنگ؛ بهداشت، آب، و وسائل زندگی آنها عصر توحش بشر را بیاد میآورد.

یکی از موادی که سازمان ملل متحد در قرار داد ترك مخصوصه بین اعراب و اسرائیل گنجانده است؛ اینست که آوارگانی که مایلند بوطن مراجعت نمایند، اسرائیل موظف است تمام املاك و اموال آنها را پس بدهد و در داخل اسرائیل با کمال آزادی و بدون اینکه تبعیضی در کار باشد زندگی کنند، و آنها که مایل نیستند برگردند طبق نظریه ارزیاب سازمان ملل قیمت املاك آنان بآنها داده شود و اسرائیل هم این را امضاء کرده است،

اما یهود مثل صدها مورد دیگر این ماده را هم نقض کرده و باحدی اجازه مراجعت نمیدهد، پدران مهربان دولت اسرائیل و مادر مهربانش (سازمان ملل) که نمیخواهند پاکزاده آنان دلشکسته شود همه این تجاوزات و نقض عهد را می بینند؛ در حالیکه در دل غنچ و بر لب تبسم دارند و پشت پرده تحریک هم میکنند فقط گاهی سر زنش

شیرین پدرانہ ای متوجہ اسرائیل میکنند (۱)

معمای آوارگان یاروزنہ امید

حقیقت اینستکه قضیہ آوارگان، اسرائیل و سازمان ملل را در بن بست سختی قرار داده است، زیرا خاک اسرائیل خیلی بیش از آنچه ظرفیت داشته است از مدتہا پیش توسط سبلہ ہاجران (بخیال خام کہ دولت اسرائیل بعداً مالک تمام منطقہ فلسطین میشود) اشغال شدہ است تراکم جمعیت بقدری است کہ ہیچوجہ امکان پذیرفتن یکمیلیون آوارہ را ندارد.

زیرا در وسعت ۲۰۸۵۰ کیلو متر کہ بنظر خود سازمان ملل ۶۵۰۰ کیلو متر آن غصبی است، بایدیدہ منطقہ عربی فلسطین برگردد. ۲/۱۰۵/۲۳۰ جمعیت فعلاً زندگی میکنند اگر این یکمیلیون نفر برگردند و املاک خود را پس بگیرند وضع اقتصادی مردم اسرائیل ہم میخورد و انگہی مگر این دولت جوان میتواند باوجود قریب یکمیلیون ونیم دشمن سرسخت داخلی و آنہمہ دشمن کہ اطراف او را احصار کردہ اند

(۱) طبق آمار رسمی مملکت اردن ہاشمی، در ۲۶ ماہ اول تشکیل حکومت غاصب اسرائیل ۶۲۴ مرتبہ این دولت ظالم در مرز اردن دست بتجاوز زدہ است و غیر از غارتہا و دزدیہائی کہ کردہ اند، متجاوز از صد نفر کشتہ، ہشتاد و پنج نفر مجروح، دودہ و ہشتاد و سہ نفر معقود الاثر شدہ اند.

و منابع قطعی رسمی نشان میدہد کہ در خلال شش سال بین ۱۳۲۸ و ۱۳۳۴ یکہزار و بازدہ مرتبہ بہ کشورہای اسلامی مجاور تجاوز کردہ است

بحیات کشیف خود ادامه دهد؟!

خوشبختانه با همه رنجهای طاقت فرسائی که آوارگان میبرند، این قضیه از نظر اینکه حادثه فلسطین را همیشه تازه نگه دارد و احساسات زنده اعراب را زنده تر کند بهترین ماده است و فقط همین موضوع است که مایه امید است و از همین مجری است که ممکن است روزی باتمسک به قانون سازمان ملل فلسطین عزیز از دست یهودیان غاصب نجات یابد.

در سایه همین عامل است که دنیای عرب با همه تشنگی و اختلافاتی که دارد باتفاق کلمه علیه حکومت اسرائیل دست بکار است. این قضیه بقدری به مسئله فلسطین حساسیت داده که هر دولت عربی اگر مختصر اظهار تمایلی به اسرائیل نماید فوراً بدست ملت خود ساقط میگردد (سقوط فاروق در مصر و نوری سعید در عراق معلول همین است) جای خوشبختی است که خود آوارگان و اعراب کاملاً باین نکته پی برده اند و بهیچوجه حاضر نیستند ولو با گرفتن هر امتیاز؛ دست از حق رجوع بوطن خود بردارند.

سازمان ملل برای اینکه این ماده را بخشکاند، مکرراً از دول عرب خواسته است که آوارگان را بعنوان تابع ملت خود بپذیرند، ولی اعراب که فریبهای متوالی این سازمان اتحصاری واستعمارگران، درس روانی بآنها داده؛ رسماً اعلام کرده اند که پذیرفتن یکنفر از آنها هم بعنوان تابع برایشان مقدور نیست و خود آوارگان هم صریحاً میگویند: هیچ راه حلی غیر از ارجاع بوطن را نخواهند پذیرفت و علی رغم گمان

اسرائیل و استعمارگران تحمل رنجها، آنها را تنها خسته و منصرف نکرده بلکه برای رجوع به وطن حریص جدیدتر نموده است.

خطر یهود

خطراتیکه از ناحیه جاسوسی و خرابکاری یهود در ممالک اسلامی ایجاد میشود آنقدر زیاد است که همه کس برای خود چند مورد را می داند در عراق، سوریه، لبنان مکرر آشیکه های جاسوسی و خرابکاری یهود کشف شد...

ضررهائیکه تا بحال از ناحیه این دولت پو شالی بدنیای اسلام و مخصوصاً عرب وارد شده است واقعاً از حساب بیرون است هزارها کشتگان کشتارهای دوره نوسان فلسطین، غارتها، چپاولها، جنگها نا امنیها، خسارتهای قحطیها، جاسوسیها، آواره گیها و صدمات روحی فراوان و اخلاص گریها... چیمهائی است که تا کنون عبوه این درخت مبارک بوده است.

نقشه واقعی یهود و دول استعمار گرا از ابتداء شعاعی خیلی وسیع تر از این داشته هنوز هم برای اجرای آن دنبال فرصتند از گفته ها و نوشته های آنها بر می آید هدف اینست که تمام یهود عالم که تقریباً پانزده ملیون نفرند در این منطقه جمع شوند و حکومتی مستقل و محکم تشکیل دهند و برای این منظور مساحتی چند برابر خاک اسرائیل لازم دارند.

در تئوریه موجود در دست اینها وعده تصرف منطقه وسیعی که از لبنان تا رود نیل و از بحر متوسط تا ساحل فرات امتداد دارد، موجود است، و بن گوریون نخست وزیر اسرائیل در نطقیکه هزار و سیصد و بیست و هفت

در سازمان ملل نموده بهمین مضمون اشاره کرده است و نورمان یهودی در کتاب (فلسطین الیهود) عین عبارت تورا را چنین نقل کرده است:

الارض الموعود هی من البحر المتوسط حتی الفرات ومن لبنان حتی نهر النيل .

نقشه‌هایی که برای اسرائیل ایدال آنها بصورت رسمی از طرف دولت منتشر شده شامل تمام فلسطین و اردن ، سوریه ، لبنان مقدار زیادی از عراق قسمت وسیعی از مصر (تمام صحرای سینا و دلتای نیل) و قطعه ای از حجاز که مشتمل بر مدینه منوره است میباشد و مکرر در از اراضی خیبر میزنند در نقشه‌های مدارس یهود ، کنار اردن و بقیه فلسطین نوشته شده است: «اسرائیل فعلا بدست اعراب است» درخصوص تصرف مسجد اقصی و آرزوی بنای هیکل سلیمان بر قبه صخره مقدس بسیار سخن میگویند .

اسرائیل کاملاً بدشمنی اعراب واقف است و خوب میداند که مسلمان مترصد فرصتی هستند که حکومت اسرائیل را ریشه کن کنند و لذا بیشتر سعی او متوجه تقویت نظامی شده است و غیر از مخارج مخفی که در راه تسلیح و تقویت دارد طبق مدارك موجود پنجاه و یک درصد از بودجه اش مصرف قوای نظامی میشود ، و خدمت نظام برای عموم زن و مرد اجباریست و تقریباً جمیع یهود فلسطین در موقع احتیاج میتوانند در ارتش خدمت کنند از بابیان استعمار گر او هم همیشه از کمکهای نظامی بیحد و خصر دریغ ندارند و غیر از همه اینها تمام یهود عالم موظفند که بعنوان تقویت بنیه نظامی اسرائیل در مقابل ممالک عربی کمکهای

مالی بنمایند و با همه کوششی که در راه تقلیل واردات دارند وارد کردن اسلحه به هیچوجه محدودیتی ندارد .

ضرر دیگری که همین دولت کوچک موجود اسرائیل دارد اینست که وحدت جغرافیائی ممالک عربی را بهم زده و سد عظیمی بین منطقه شام و عراق و جزیره العرب از طرفی . و مصر و بلاد مغرب از طرف دیگر واقع شده و راه این دو قسمت مهم را از یکدیگر قطع کرده است .

مبارزه اسرائیل

با آنچه که در مظالم اسرائیل گفتیم معلوم شد که مبارزه با اسرائیل وظیفه هر فرد مسلمان و وظیفه هر کسی است که معتقد به عدالت است .

از حق نمیشود گذشت که جامعه اعراب ، در مورد فلسطین بسیار خوب مبارزه کرده است با اینکه میدانستند دولتهای بزرگی که حامی اسرائیل هستند و در زندگی خود اعراب هم تأثیر فراوان و نفوذ شدیدی دارند از مبارزه با اسرائیل خیلی ناراحت میشوند مع ذلک از مبارزات مثبت و منفی خودداری نمیکند؛ بمبارزات مثبت آنان در دوران انقلابات فلسطین پس از قیام اسرائیل اشاره ای نمودیم .

در مورد مبارزات منفی انصافاً تا بحال خیلی خوب ادامه داده اند بطوریکه شواهد نشان میدهد تصور آشتی هم برای اعراب بسیار گران است و محض اعلان استقلال اسرائیل جامعه دول عربی یک تصمیم جدی گرفت و بلا فاصله یک حصار اقتصادی محکمی بدور اسرائیل کشید

مجلس رسمی جامعه با امضاء تمام ممالك عربی، تمام انحاء ارتباطات اقتصادی با اسرائیل را حرام کرد و برای متخلفین مجازات شدید مقرر کرد طبق دستور این مجلس، مصرف کردن کالاهای اسرائیل اکیداً ممنوع و فروختن هر نوع کالا با آنها نامشروع شده با توجه باینکه اسرائیل برای آب کردن مصنوعات خود احتیاج شدید به بازار آنها در کشورهای مجاور دارد عظمت این اقدام خیلی روشن است و از طرفی در اثر کوچکی خاک و کثرت کارخانجات و تورم جمعیت احتیاج زیادی بمواد خام دارد و آوردن مواد خام از ممالك دور دست هم صرف نمیکند منع فروش مواد خام بر آنها خیلی گران تمام میشود.

پا را بالاتر گذاشته و مقرر کردند با ممالکی که با اسرائیل ارتباطات حسنه دارند دول عربی عضو جامعه، حق ندارند با آنها ارتباط برقرار کنند

هنوز هیچیک از دول عربی اسرائیل را بر سمیت نشناخته و اغلب ممالك اسلامی هم حاضر نشده اند او را بر سمیت بشناسند و اگر احیاناً مملکتی اسلامی اسرائیل را شناخت فوراً مورد قهر ممالك عربی واقع گردید.

لیاقت علیخان نخست وزیر پاکستان در جواب دول عربی که تقاضای شناختن اسرائیل را از او کردند گفت:

عجبا! معلوم میشود در دموکراسی رسمی امروز جهان باید به زور گو مشلق هم داده عدۀ غارتگر خانه مسلمین را غصب کرده اند

و سرپرستهای آنها از ما میخواهند که بتجاوز آنها تبریک و تهنیت بگوئیم .

وقتیکه ملت رشید الجزائر پس از هشت سال مبارزه استقلال بدست آوردند و دولت اسرائیل اعلان کرد که الجزائر را برسمیت شناخته ؛ رئیس جمهور الجزائر با شدت ، شناختن او را رد کرد و بصراحت گفت تو دولت غاصب صلاحیت چنین اظهاری را نداری .



برای تنظیم و تهیه مطالب این مقاله از کتابهای زیر استفاد شده است .

القضية الفلسطينية »	ازاکرم زعیتر
» مسلمین جهان	م . رهنما
» لغت نامه دهخدا	دهخدا
» دائرة المعارف	فرید وجدی
» خطر جهود	سید غلامرضا سعیدی
» تمدن اسلام و عرب	گوستا ولبون
ندائی از سرزمین بیت المقدس	حاج میرزا خلیل کمره ای
اسرار مخفی یهود	

آوارگان وطن
می خواهند

در یکی از دوره های شورای سیاسی سازمان ملل که مخصوص رسیدگی به وضع آوارگان فلسطین تشکیل شده بوده و نمایندگان دول عرب در آن شرکت داشتند، پس از آنکه گزارشات رئیس آژانس دستگیری پناهندگان «مستر دنفور» در باره وضع پناهندگان قرائت شد، آقای اکرم زعیمتر نائب رئیس هیئت اعزامی اردن، نطق برشود و غرامتی ابراد کردند که در اینجا ترجمه آنرا از نظر خوانندگان میگردانیم،

تا بدانند که برادران مسلمان آوارگان که دارو ندار خود را پشت سر خود در دست یهودیان گذاشته اند و خود در نهایت فلاکت و نکبت و بدبختی در بیابان ها و صحرا ها و خیمه ها و داخل غازه ها و اطاق های چوبی و غارها بسر میبرند و از مجرای صدقات ملل عالم که توسط سازه ان ملل با آنها داده، میشود بازندگی برزخ میان بسترهای وحشی و ستمند میگردانند چگونه زندگی میکنند و چه میخواهند؟

آقای رئیس !

نمایندگان اردن پیش از آنکه در حاشیه گزارشات و نظرات آقای «دیفتر» رئیس آژانس دستگیری پناهندگان صحنی کنند خاطر آنجناب و سایر حضار را مستحضر میدارند که :

اردن غیر از اینکه عضو مجموعه دنیای عرب است که حادثه فلسطین را حادثه خویش میدانند، تعداد ۶۳۰/۷۲۵ نفر از آوارگان فلسطینی را که تقریباً ثلث مجموع جمعیت اردن میباشد پناه داده است و این بار بردوش اوسنگینی میکند

ما پیش ازهر کس از این فاجعه خسارت دیده ایم و بیش از همه با آوارگان تماس داریم و لذا بهتر از دیگران از وضع آنان و ممکنون ضمیر و خواسته های آنان مطلعیم

بنابر این جناب دارد که حضار محترم به اظهارات ما راجع به آوارگان خوب توجه فرمایند ...

جوهر قضیه آوارگان :

مطلب مهمی که بآن معتقدیم و بدینا اعلام میکنیم و دنیا را دعوت به توجه بآن مینمائیم اینست که :

جوهر قضیه آوارگان فلسطینی و آنچه که میتواند آنرا قانع و راضی کند ، چند لقمه نان برای قوت لایموت و چند قطعه پارچه برای ستر عورت و چند چادر و خیمه برای جلوگیری از تابش آفتاب و ریزش رگبار باران یا چند یحاری و چراغ و چند شاهی پول که از مجرای صدقات بدست می آید نیست

مسئله آوارگان مسئله سیاسی و ملی است ، مسئله ملتی است

که از وطن و مأوای خود اخراج شده و خانه و لانه و باغ و زمین و مغازه و سرمایه و... که صدها سال آباء و اجدادشان در آنها زندگی داشته اند از دستشان گرفته شده است

موضوع شرافت و حیثیت يك ملت است که امانت بیش از هزار ساله پدرانشان را که بایستی به نسل بعد تحویل دهند به زور و دوز و کک از آنها بغصب ربوده شده است

بدون شك آن شعله عشق به وطنی که هر آن پیش چشمان آنها مجسم است، خاموش شدنی نیست و این شعله جاویدان، تا زمانی که این مردم فلک زده دارو ندار خود را جلوی چشمان خویش در تصرف دشمنان خون آشام شان ببینند و خود یا ذلت و نکبت از مجرای صدقات امر ارمعاش میکنند و بلند گوه های صهیونیسم؛ یهود عالم را دعوت میکنند که به سفره آماده دیگران بیایند و عیاشی نمایند. روز افزون است. تنها در وطن مألوف آنان فلسطین میشود آوارگان را آرام و راحت کرد، تنها در فلسطین

و قتی که عمر یکی از این آوارگان در این تبعید گاه به آخر میرسد؛ در بستر مرگ بچه هایش را بدور خویش جمع میکند و مخصوصاً بچهد هائیکه در دوران آوارگی بدنیآ آمده اند و از آن همه وسائل زندگی و نیاز و نعمت خود در داخل اسرائیل اطلاع ندارند، و بآنها وصیت مینماید که: بنیاد از فکر استر داد فلسطین عزیز منصرف و مأیوس شوید در همین پشت مرزها بمانید و خود را آماده فداکاری در راه بیرون کردن یهود غاصب چپاول گر کنید تا بخانه های خود بر گردید.

و این خود میرساند که گذشت زمان نمیتواند عشق به فلسطین

عزیز را در دلها و مغزهای این مردم ستم دیده کهنه و آنا را مأیوس نماید آقای «دیفنر» خوب روحیه این مردم را بدست آورده که میگوید: حق اینست که نمیشود بین روحیه و افکار آوار گان فرقی گذاشت چه آنها که با جان کندن برای خود و عائله شان نان تهیه میکنند و چه آنها که در خیمه ها بیکار نشسته اند و چه آنها که هنوز اصلارنگ خانه ولانه خود را ندیده اند، همگی یکسان عاشق و دلباخته مراجعت به وطن میباشند.

علل و عوامل این مشکل:

حال که مادر صدد حل این معما بر آمده ایم؛ ناچاریم که حقیقت آن و علل و عوامل آنرا از نظر بگذرانیم
من فعلاً بحثی از ماهیت صهیونیسم که میشود آنرا در دو کلمه «دعوا» اگر زور گو، خلاصه کردن دارم و صحبتی هم از وعده «بالفور» وزیر امور خارجه انگلستان که در چهل و چهار سال قبل به روچیلد یهودی قول ایجاد وطن نژادی یهود در فلسطین که نه ملک انگلستان بود و نه بی صاحب، داد، نمیکند،
حرفی هم از اینکه این چنین وعده ای که یوئی از مشروعیت نداشته و حتی در قانون بین الملل آنروز لغت و وطن نژادی مقهومی نداشت، نمیزنم.

در این مجلس، در باره کیفیت گنجاندن این وعده در کتالت نامه سرپرستی فلسطین که اصلاً به منظور تربیت کردن و آماده نمودن اهالی اصلی برای حکومت مستقل و آزاد بوجود آمده بود، و استعمار صهیونی انگلیسی آنرا در راه یهودی کردن فلسطین عزیز و بیرون نمودن

اهالی آن استخدام کرد و در دوران سرپرستی متفور خود ارتش و پلیس و سیاست دوز و کلک استعماری خود را برای ایجاد دولت یهودی بر خرابه های اجتماعات عربی صاحب خانه بمیدان کشید گفتگوئی نمیکنم

آری فعلا از این صفحه سیاه و نکبت بار تاریخ بشریت برای شما چیزی نمیخوانم ، ولی وقتی که میخواهم از آن بگذرم ناچارم که نکات و حقایق ذیل را تذکر دهم :

۱ : آنروز که بریتانیا بعنوان قیم و سرپرست، فلسطین را تحویل گرفت حدود پنجاه هزار نفر یهودی و هفتصد هزار فقر عرب در آنجا زندگی میکردند ولی آنروز که این قیم عادل ! فلسطین را تحویل سازمان ملل داد حدود ششصد و پنجاه هزار نفر یهودی را علی رغم اراده اهالی (در مدت سی سال) به فلسطین آورده بود .

البته عرب در مقابل این طوطئه استعماری ظالمانه که علیه موجودیت شان طرح شده بود دست یسته و آرام نمیشدند ؛ و یافدا کاری ایجاد آورد ، بمبارزه با استعمار بر خاستند ، سی سال تمام بانبروهای جهنمی استعمار و صهیونیسم بین الملل در کشتی و گریودار بودند و با امکانات ناچیز خود بادادن بیش از ده هزار قربانی ، تا آخرین رمق با استعمار جنگیدند .

در سال ۱۹۳۶ سراسر فلسطین و بسیاری از ممالك عربی را برای اعتراض به جنایات استعمار اعتصاب بی سابقه ای فرا گرفت که نزدیک شش ماه ادامه یافت

آری آقای رئیس : شش ماه مردم فلسطین غرق در اعتصاب و

تعطیل بودند و در ضمن اعتصاب یکی از نه انقلاب عظیم فلسطین رخ داد ، که تاریخ فلسطین آنرا بعنوان یکی از افتخارات جاویدان مردم مبارز فلسطین در سینه فراخ خود نگه خواهد داشت

در دوران سرپرستی یهودیان با تمام قدرت مشغول تقویت بنیه نظامی خود شدند ، جوانان یهودی پس از دیدن دوره تعلیمات نظامی ؛ مسلح به فلسطین مهاجرت میکردند و در داخل فلسطین در جلو چشم مقامات مسئول انگلیسی یهودیان مشغول تعلیم و تربیت نظامی و تقویت بنیه جنگی خود بودند و انگلستان دم نمیزد ؛ وقتی استادان نظامی و اسلحه و مهمات بآنها کمک نمیکرد .

و در همین موقع اگر مقامات انگلیسی میفهمیدند که يك عرب تفنگ و یا حتی فشنگی همراه دارد بدون محاکمه او را تحویل چوبه دار میدادند ، باعتراف وزیر مستعمرات انگلستان تنها در سال ۱۹۳۷ - ۱۹۳۸ یکصد و سی و هشت نفر عرب با اتهام حمل اسلحه در زندان عکا اعدام شدند که در میان آنها شیخ **فرحان سعدی** هشتاد ساله در ماه رمضان در حال روزه ینسلیم چوبه دار گردید .

لا به آقای «هیوفوت» که اکنون در مجلس حاضرند و آنروز فرماندار نابلس بودند بخاطر دارند که چقدر پیش نماینده عالی انگلستان ؛ برای قرض حکم اعدام آن پیرمرد بزرگوار وساطت کردند و نتیجه نگرفتند.

آن اعتصاب و آن قربانیان عزیز و آن انقلاب عمیق بالاخره دولت استعمارگر انگلستان را بیزانو در آورد و کتاب سفید سال ۱۹۳۹ را صادر نمود و با صراحت اعلام نمود که منظور ، از وطن نژادی یهود تشکیل

دولت یهودی نبوده است.

نفوذ و قدرت صهیونیسم :

عجب اینست که نظریه تمام بازرسان در انقلاب ها و حوادث، این بود که علل و عوامل اضطراب ها و آشوب ها همان سیاست ایجاد دولت یهودی و روی خوش استعمار با صهیونیسم است ولی نفوذ صهیونیستپاد در دولت های استعماری همه این نظرات را بی اثر میگرداند و فاجعه را روز بروز اسف بارتر و مصیبت افزا تر می نمود.

تازه خود انگلستان هم دچار خرابکاری های فراوان صهیونیسم شده بود، حمله می کردند خرابکاری می نمودند، ترور می کردند و قهر و ناز بخرج انگلستان میدادند؛ و در مقابل مواجهه با لطف و محبت کسانی میشدند که مقدرات مملکت ها را در دست داشتند.

اصولا در اثر میدان دادن بیهودا، و آخر بریتانیا به بن یست رسیده بود و از امکان اجرای وعده کتاب سفید مایوس گردیده بود و حتی وزیر خارجه انگلیس در مجلس عوام آن کشور، روز ۱۳ نوامبر ۱۹۴۵ گفت: «مادر اثر وعده های متناقض که در مناسبت های مختلف به طوائف مختلف داده ایم در بن یست سخت و غیر قابل نجاتی قرار گرفته ایم».

انگلستان هکار عوض اینکه در پایان دوره سرپرستی به فلسطین استقلال دهد و مقدرات مملکت را بدست مردم بسیار دزمام امور فلسطین را بدست سازمان ملل متحد سپرد و سازمان ملل هم با فشار و اعمال نفوذ امریکا و سایر استعمار گران رأی به تقسیم فلسطین داد.

من فعلا نمیخواهم از مصیبت عظمای تقسیم که ریشه همه بدبختیهای مردم فلسطین شد، بحث کنم، و فقط میخواهم بدو نکته اساسی

اشاره نمایم.

۱- سازمان ملل دیروز و امروز :

: سازمان ملل در روزیکه قرار تقسیم فلسطین را صادر کرد (۱۹۴۷) نوامبر (۱۹۴۷) فقط پنجاه و دو عضو داشت و عدد آراء موافق (باهم آراء) و تهدید و تطمیع امریکا (فقط ۳۲ رأی بود که تازه اغلب اینها نمایندگان ممالک کوچک بی شخصیت بودند که تعداد موکلین آنها کمتر از موکلین مخالفین بودند.

سازمان ملل امروز غیر از سازمان ملل دیروز است ، چهل و هفت دولت دیگر فعلاً عضویت این سازمان را دارند که آن روز عضو نبودند عده ای از این اعضاء جدید ممالک استعمار زده ای هستند که سالها جنایات استعمار را تحمل کرده و تلخیهای آنرا چشیده اند و در راه آزادی مبارزه کرده اند و جان کنده اند و قربانی داده اند ، حتما چنین مردمی حاضر نیستند که طرفدار اراده استعمار و پایمال کردن حق و عدالت باشند و ضرر هم زنجیران خود رأی بدهند و اگر آنروز وضع سازمان ملل مثل امروز بود حتماً لایحه تقسیم فلسطین اکثریت آراء را بدست نمی آورد.

حوادث الجزائر و کشورهای افریقای جنوبی و کویا و ... و فعالیت های سازمان ملل راجع به آن کشور عا ما را بآینده فلسطین امیدوار کرده و وادار هم میکند که از این شورا بخواهیم خطا و جنایت سازمان آنروز را در مورد فلسطین جبران کنند

لااقل درباره مصیبت مرگبار آوارگان فلسطین؛ که هنوز تجاوز صهیونیسم به تصمیمات وقرارات سازمان ملل در مورد آنها ادامه دارد؛

فکری کنند و مانع اعمال نفوذ و خلافتکاری های صهیونیست های عامل استعمار بشوند و دستور دهند که قرار حق مراجعت به وطن در مورد آوارگان فلسطین که سازمان ملل ناقص آن روز هم برای آنها قائل شده است اجرا گردد، باز هم تذکر میدهم هنوز دست استعمار خاک سیاه و مصیبت به سر آوارگان فلک زده فلسطین میباشد.

۱- عوامل آواره گی:

: قرار تقسیم سازمان ملل، پنجاه و شش درصد از خاک فلسطین را به یهودیان که فقط در آن روز مالک پنج و نیم درصد از اموال فلسطین بودند واگذار کرد، یهودی که از نظر جمعیت فقط ثلث مجموع جمعیت فلسطین را تشکیل میدادند. و عرب که بیش از هزار سال قبل از آنکه حزب صهیونیسم خلق بشود، مالک و صاحب فلسطین بودند و دو ثلث جمعیت فلسطین و نود و چهار و نیم درصد از خاک فلسطین را دارا بودند، فقط چهل و چهار درصد از خاک فلسطین داده شد.

تازه، علی رغم همین تقسیم جایزانه و ظالمانه، یهودیان برخلاف قرار سازمان ملل: به بقیه خاک فلسطین هم تجاوز کردند و باز مساحت زیادی از آن مقدار ناچیز عرب را به پشتیبانی استعمار گران غصب کردند و این خود سبب تراکم مصیبت آوارگان گشت.

گفتم این تجاوز سبب تراکم مصیبت شد و نگفتم اصل وریشه این مصیبت شد، زیرا سبب اصلی آوارگی کشتارهای وحشیانه یهود در دیر یاسین و ناصرالدین و بیت دراس و ریتون... و تهدا و اوعاب های حمله ها و غارات و خرابکاری های آنان میباشد.

البته این تجاوز نامردانه یهود، قبل از آنکه ارتشهای عربی

بكمك عرب فلسطين كه با بیرون رفتن ناگهانی انگلستان و تسلیم
عمدی یهودی های مسلح بسر عرب بی سلاح بی پناه ، غافلگیر شده بودند ،
برسند صورت گرفت

زیرا بریطانیا در موقعی فلسطین را تخلیه کرد که یکی از سازمان
های یهودی بنام ها جانا بیش از شصت هزار سرباز مسلح و شقی و بیرحم
و دشمن خون آشام عرب در اختیار داشت و انگلستان استعمار گران توانسته
بود عرب را خلع سلاح کرده بود ، رفت و عرب بی سلاح را بلفظ و کرم !
صهیونیسم یغما گروا گذاشت

مورخ بین المللی پروفیسور «ارفولد توینی» در جلد هشتم کتاب
(سیری در تاریخ) میگوید :

یکی از سخت ترین و هولناک ترین جنایات روزگار در تاریخ
بشریت همین ظلم فجیعی است که یهودیان بسر عرب فلسطین
آوردند ، یهودیانی که خود دیروز مزه تلخ ظلم و جنایت را بدست
نازیان آلمان چشیده بودند و بایستی از آن درس بگیرند ، خود
شان بسی نا جواتمردانه تر ، عرب فلسطین را مورد جنایت و ستم
قرار دادند .

عربهای زیر پرچم اسرائیل:

تازه اسرائیل بهمان جنایت تجاوز از حدود مقرر سازمان ملل
قناعت نکرده ، بلکه عربهایی را که در داخل اسرائیل مانده اند بشدت
مورد تجاوز و تعدی قرار داده است ؛ قرار تقسیم سازمان ملل ، با
اینکه خود حکمی بسیار ظالمانه است ، در بند دوم از بخش دوم میگوید:
«هیچیک از طرفین راجع به اقلیت های زیر پرچم خود حق ندارند که

تبعیضی قائل شوند و بطور کلی بایستی تبعیضات نژادی، مذهبی و زبانی، لغو گردد».

ولی دولت غاصب متجاوز اسرائیل تبلیغات نژادی را در منطقه متصرفی خود بظالمانه ترین صورت عمل میکند، وحتماً این حقیقت را منکر است و مدعی اجرای مساوات میباشد ولی من برای اینکه جلو این انکار را بگیرم و چند جمله از يك جریده معتبر جهانی در این مورد میخوانم:

نیویورک تایمز که بهیچوجه تمییزد اورا مخالف با اسرائیل دانست در شماره ۲۲ ایلول ۱۹۶۱ مینویسد: یکی از سخت ترین ناراحتیهای عرب داخل دولت اسرائیل اینست که آنان بایستی همیشه تحت حکومت نظامی وزیر نظر از قش اسرائیل زندگی کنند.

یکصد و هشتاد هزار نفر عرب، در تمام شئون زندگی همیشه باید قوانین سخت حکومت نظامی را که در عالم فقط برای مواقع استثنائی خطر ناک اعدال میشود تحمل کنند؛ در نقاط معین و معلومی سکونت و کار و در اوقات و ساعات معینی حق عبور و مرور داشته باشند..

و همین جریده در شماره ۲۶ ایلول از قول معاون شهرداری ناصریه نقل میکند که اسرائیل در خلال سیزده سال صدها هزار هکتار از املاک و اراضی عرب زیر پرچم خود را مصادره کرده است»

در شکایتی که دؤسای عربهای داخل اسرائیل در ۱۰ تشرین دوم ۱۹۶۰ تسلیم سازمان ملل متحد کرده اند نوشته اند که: در آنجا تامین مالی و جانی ندارد قديهودیان در ملاءعام دست به مصادره اموال و املاک عرب ميزند و زراعتهای آنان را درو میکنند، میوه های آنان را

میچینند ، از عزایای تعلیم و تربیت عمومی برخوردار نیستند و تبعیسات نژادی بشدت آنانرا ناراحت دارد ، مقررات سخت و خشک حکومت نظامی عرب را زجر میدهد و از نظر اقتصاد سخت در مضیقه اند ،...

رئیس آژانس دستگیری آوارگان که مأمور خود شماست ، در مقدمه گزارشات خود میگوید : بیشتر آوارگان در خلال سیزده سال ویلانی ضربه های سخت و سنگین روحی خورده اند یأس و نومیدی و تردید و دودلی و بیکاری دراز سراسر زندگی آنان مشهود است ، امرار معاش از مجرای صدقات سازمان ملل و صرف عمر با بیکاری و بطلت در افکار و نفوس آنان جراحات عمیقی ایجاد کرده و به انسانیت آنان ضربه وارد آورده است .

از چنین مردمی غیر از اینکه فقط عاشق مراجعت به وطن و پس گرفتن مایملک خود باشند چیز دیگری انتظار نباید داشت و اگر گاهی گرفتاری ها و ناراحتی های خود را به مقامات مربوطه تذکر میدهند نباید خلاف انتظار و نامناسب حساب گردد ، اینها همان حقی را مطالبه میکنند که سازمان ملل از روز اول برای آنها شناخته و معتبر بین رجوع به وطن و یا گرفتن قیمت اعلان کشان کرده است .

آقای رئیس بدانید ! با مسامحه و ملاحظه نمیشود این فاجعه را بدست فراموشی سپرد و مشمول مرور زمان کرد ، مرور زمان بایش از یک میلیون آوازه و ویلان که روز بروز بر شدت دردهای اجتماعی و فردیشان افزوده میشود چه میتواند بکند ؟

این برنامه کمک ناچیز به آوارگان ، حل اساسی قضیه نیست این فقط کمکی است که میتواند جلو مرگ و تلف شدن آنان را بگیرد

راه حل :

واینک راه حل اساسی قضیه کاملاً در دسترس سازمان ملل است ، اگر راستی می‌خواهید باین فاجعه بشری خاتمه بدهید ؛ اسرائیل را ملزم کنید که به قرار سازمان ملل عمل کند ،

قرار یازدهم ایلول سال ۱۹۴۸ در باره مراجعت آوارگان به فلسطین را که با آنهمه آب و تاب و غلظت و شدت صادر کرد و با آن طنطنه وطنی بدنیا اعلام کرد که در اجرای آن کوچکترین مسامحه امکان ندارد چنین قراری که با اینهمه تأکید باشد ، در تاریخ سازمان ملل پیدا نمیشود .

اسرائیلی که به پشتیبانی همین سازمان ملل وارد فلسطین شد ، باین قرار پشت یازد و اصلاحات آن اعتنا نکرد و نمیکند و با کمال پرووئی و جسارت میگوید : اجازه ورود حتی یک نفر آواره را به اسرائیل نخواهد داد .

جالب اینست که در چنین وضعی که اسرائیل با کمال عناد و لجاجت و جسارت همه مقدسات عالم را نادیده میگیرد ، حامیان او اصرار دارند که عرب با اسرائیل برای انعقاد صلح نهائی وارد مذاکره شوند آقای رئیس محترم ؛ چه صلحی ؟ و با چه کسی صلح کنیم ؟

سیاست مجامله و مسامحه :

در چنین موقعی که اسرائیل بدنیا اعلام کرده که خاک فلسطین مغضوبه استعداد پذیرفتن یک نفر آواره را هم ندارد ، بلندگوهای اسرائیل ، یهود عالم را برای مهاجرت به فلسطین دعوت میکنند و همه شما هم اطلاع دارید

شورای توفیق (کمیسیونی است که از طرف سازمان ملل برای حل قضیه فلسطین تشکیل شده) بجای اینکه به مقتضی وظیفه ای که علی الظاهر باو محول شده است ، رسماً اعلام کند که در اثر نافرمانی و جسارت اسرائیل ، نمیتواند قرار سازمان را اجرا نماید و خود سازمان ملل بجای اینکه در این مورد تصمیم جدی بگیرد و پشتکار را کما هو حقّه داشته باشد، با کمال تأسف می بینیم سیاست مجامله و مسامحه با اسرائیل را در پیش گرفته اند و مثل اینکه میخواهند یا همین سیاست فرستادن نماینده و بازرس و کارشناس و . . . (که از حیل های شناخته شده استعمار برای سرگرم کردن و گول زدن ملت ها است) ما را مشغول کند و بخیال خود قضیه را با گذشت زمان وارد تاریخ گذشته های غیر قابل برگشت نمایند .

اکنون سیزده سال است که جامعه ملل با آن همه آب و تاب قرار بریده است ولی یك قدم در راه اجرا و تحقق آن برنداشته و هر روز آنرا تا کید و تثبیت میکند .

سو، نیت:

اجازه بدهید با کمال صراحت بگویم که شورای توفیق عملاً نشان داده است که نماینده روح سازمان ملل نیست و نمیخواهد آن عدالتی را که سازمان ملل مدعی است ، اجرا کند .

این شورا از افرادی تشکیل شده و در موقع خاصی بوجود آمده و در عمل طوری رفتار کرده که بطور کلی عرب معتقد شده اند که اصولاً بمنظور تعقیب هدف های ظالمانه صهیونیسم و تحقق بخشیدن به اراده استعمار خلق شده است و خلاصه، این دست استعمار بود که در ساحت

مقدس سازمان ملل دخالت کرد و بنام آن سازمان شورائی بوجود آورد و بدنبال هدف استعماری خود فرستاد و می‌رود که این شورا آبروی سازمان ملل را ببرد.

بر همه روشن شده که قصد این شورا از این مسامحه و مفاطله اینست که قضیه را مشمول مرور زمان کند و رفته رفته آوارگان را بطور کلی از مراجعت به وطن مأیوس نماید، می‌خواهد آوارگان بهمین وضع موجودشان انس بگیرند و وطن خود را فراموش کنند.

اما این شورای عامل استعمار باید این آرزو را بگور ببرد، زیرا هر چه بیشتر زمان جدائی از وطن بر این آوارگان بگذرد آتش عشق به وطن در آنها تیز تر می‌گردد و حل قضیه را بتقع صیبه نیسم غاصب سخت تر می‌کند این مستر دینر رئیس آژانس دستگیری است که پس از سیزده سال مرور زمان می‌گوید: مراجعت به فلسطین تنها امید و آرزوئی است که بر تمام آوارگان حکومت می‌کند و وجود آنها را قبضه کرده است و در باره سخت تر شدن مشکل حل قضیه و پیچیده تر شدن معما می‌گوید، روز بروز این معما پیچیده تر می‌شود و می‌رود که غیر قابل حل گردد زیرا سالانه سی هزار تا سی و پنج هزار بر تعداد آوارگان افزوده می‌شود و بهمین نسبت مشکلات ما را زیاد تر می‌کند.

خلاصه اگر سازمان ملل و دیگران با امید کهنه شدن قضیه نشسته‌اند این فکر را از سر خود بیرون کنند و بفکر دیگری بیفتند این مردم آواره هر روز آرزوی برگشت بخانه و لانه خود و گرفتن باغات و مزارع و دکان‌ها و... که وسیله عیاشی یهود ماده پرست شده، در قلوبشان

رشد میکند و به قول کنت برنا دوت (که بدست یهودیان ترورشده) اینهم خیلی دور از عدل و انصاف است که یهود از سراسر جهان به فلسطین دعوت شوند ! صاحب خانه‌های گرسنه و بی خانمان شده ، پشت در خانه حسرت بکشند و از همه چیز محروم باشند.

آقای رئیس ! شما برای خاطر اینکه در افریقای جنوبی برخلاف منشور سازمان ملل متحد تبعیضات نژادی جریان داشت ، قیامتی برپا کردید و یخه‌ها را پاره کردید ولی برای خاطر بیش از یک ملیون عرب که برخلاف تمام اصول عدالت و سراسر منشور سازمان ملل از خانه و لانه و دار و ندار خود اخراج شده‌اند و پشت مرزهای ساخته شده استعمار اسرائیل با حسرت به گذشته خود مینگرند و چشم به عدالتخانه سازمان ملل دوخته‌اند، چرا اینهمه مسامحه روا میدارید؟!

شما که از نظر وظیفه کاملاً روشن هستید و میدانید جزای کسی که بادرست سازمان ملل مخالفت کند چیست؟ پس چرا برای مجازات اسرائیل و تحمیل قرار سازمان ملل بر او یک اقدام جدی نمیکنید و این متخلف را مجازات نمینمائید؟ و چرا بیش از این به شورای توفیق اجازه میدهید که آبروی سازمان ملل را در جهان ببرد؟ و چرا چنین شورائی را که خیانت او مسلم شده است منحل نمیکنید؟

راه تخفیف بحران:

گفتم که یهودیان طماع بهمان قرار ظالماتۀ تقسیم هم قناعت نکردند و با حمله و قتل و غارت قسمت زیادی از سهم ناچیز عرب را باز غصب کردند و نصف پناهندگان از همین تجاوزات بعد از قرار تقسیم آورده شده‌اند . درباره اینها اصلاً مسئله مخیر بودن میان بر گشت به وطن و یا

گرفتن قیمت اموال مطرح نیست به مقتضی قرار سازمان ملل اینها بدون هیچ معطلی و بحث و فحص و بازرسی بایستی به وطن برگردند و اسرائیل بطرف مرزهایی که سازمان ملل مقرر کرده بود عقب نشینی کند .

اگر سازمان ملل اسرائیل را وادار به عقب نشینی کند ، از این رهگذر قسمت عمده مشکل آوار گان حل میشود ، چون عده زیادی از آنان در این قسمت میتوانند متوطن شوند ، و اگر راستی سازمان ملل بخواهد چنین کاری بکند از دست او برمیآید زیرا همه دیدند در حمله سه دولت انگلیس و فرانسه و اسرائیل در سال ۱۹۵۶ در نزاع کانال سوئز ، بمصر اسرائیل از فرصت استفاده کرد و غزه و سینا را تصرف نمود و سازمان ملل جداً وارد کار شد و او را از سینا و غره بیرون کرد .

پس اگر راستی سازمان ملل بخواهد در مورد آوار گان کاری انجام دهد برای او مقدور است که اسرائیل را از مناطقی که پس از قرار تقسیم تصرف کرده بیرون کند و مقدار زیادی از بحران آوار گان را تخفیف دهد زیرا در این صورت عربهای آواره یافا اللد، الرملة، الجلیل غربی و . . . بزدگی خود میرسند و بارشان از دوش آزاد است دستگیری برداشته میشود .

آقای رئیس این ماده هفدهم اعلامیه حقوق بشر است که با صراحت میگوید : هر کس آزادانه میتواند در ملک خود تصرف کند و هیچ مقامی حق ندارد مانع بهره برداری او بشود و یا ملک او را بدون مجوز قانونی بگیرد .

اگر املاك و اموال عرب آواره فلسطین را زیر نظریك نفر عادل و درست کار از طرف جامعه ملل از قبیل مستر « دیقنر » بگذارند فقط در

آمد آنها را صرف آوارگان کنند خیلی بهتر از این کمکهای سازمان ملل آنها را اداره میکند و دیگر عیوب و نواقص صدقه خوردن را هم برای آوارگان ندارد و این بار سنگین از دوش سازمان ملل هم برداشته میشود.

گمان نمیکنم يك نفر بشر با انصاف که ذره‌ای وجدان سلیم بشریت داشته باشد با این فکر مخالفت کند، آنها که این فکر را مناقی با گرفتن نتیجه نهائی میدانند و میگویند اگر بهره‌املاک عرب را رسماً بخودشان بدهند حل نهائی به عقب میافتد؛ بلندگوهای اسرائیل اند که میخواهند از این مجری نانی برای اسرائیل به پزند و ضربه‌ای بر پیکر عرب وارد کنند

وظیفه سازمان ملل

در شرائطی که اسرائیل به پنهان داشتن ظرفیت پذیرش آوارگان از مراجعت آنان جلوگیری مینماید و از طرفی با کمال میل از سبیل یهود مهاجر دنیا استقبال میکند، سازمان ملل که خود شریک در خلق این موجود کثیف، بی‌باشد، موظف است، او را ملزم کند که جلو مهاجران جدید یهود را بگیرد تا دیگر بیش از این جلوی آوارگان مانع ایجاد نکرده

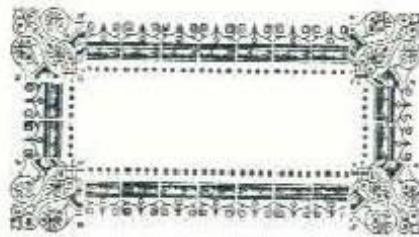
ممکن است بعضی از سفسطه کارها بگویند که جلوگیری از مهاجرت یهود، به سیادت و اختیار و حق حکومت اسرائیل در مملکت خود، مخالف است، و نمی شود اختیارات او را تا این حد قیچی کرد، جواب این سفسطه این است که اصولاً اسرائیل، از روز اول وجود او منوط به قیود و شروطی بوده است که در طلعه آنها لزوم احترام

حقوق ساکنان عرب است و بدون ممنوع کردن مهاجرت حفظ حقوق آنان امکان ندارد

آقای رئیس اقبل از پایان کلام لازم می دانم یاد تاکید کنم : دولت اردن و تمام عرب بهیچوجه اجازه نمیدهند که فکر تصفیه قضیه آوارگان فلسطین بدون مراجعت به وطن بخواند اجراء شود و اصولاً نمیتوانیم اجازه بدهیم که مسئله از سطح مراجعت به وطن ، به سطح چندلقمه نان و چندخانه و چند قطعه لباس اتول کند

و خلاصه ، حل این مشکل با سیاست دفع الوقت به قصد مأیوس کردن آنان ممکن نیست انجام گیرد و تا روزیکه ریشه قضیه نسوزد محال است که تصفیه ای انجام گیرد

یکبار دیگر از سازمان ملل متحد تقاضا میکنیم که درست قضیه را ارزیابی کند و سپس بر اساس فضیلت و حقیقت و انسانیت و عدالت که همیشه این سازمان مدعی آنست باین مشکله و مصیبت عظمای بشری خاتمه بدهد



کنفرانس اسلامی مکہ

چند سال است که در ایام حج، در شهر مقدس مکه، با شرکت
نمایندگان دول اسلامی کنفرانس بزرگی تشکیل میشود،
در این کنفرانس مسائل مهم ممالک اسلامی توسط نمایندگان
آنها مطرح میشود و انصافاً در راه همکاری و اتحاد دول
اسلامی قدم‌شایان توجهی است، در کنفرانس سال ۱۳۸۱ آقای
اکرم زعیتر نماینده اردن هاشمی سنخ‌رانی ذیل را در مورد
حادثة اسفبار فلسطین و قیام دولت غاصب اسرائیل ایراد کردند

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

من سلام بیت المقدس، قبله اولی مسلمین، حرم شریف و بقاع مقدسه آن ساکنان را به کعبه مقدسه، قبله دوم، این شهر وحی و نزول قرآن و اما کن مقدسه و مدینه منوره ابلاغ میکنم.

سلام شهدای مجاهد و مبارزی که در زیر خاکهای مقدس فلسطین آرمیده اند را، بارواح پاک شهدای صدر اسلام در بلاد مقدس مدینه و مدینه اهداء مینمایم.

من از فلسطین عزیز سمدیده و تقسیم شده و غصب گردیده و شاهد ستمهای استعمار و صهیونیسم برای شما برادران مسلمان حامل سلام و تحیت امید و انتظارم...

بمن پیشنهاد کردند که در این کنگره عظیم راجع به نهضت‌های ممالک اسلامی در مقابل استعمار و مبارزات آزادی خواهی آنان صحبت کنم و از عظمت و عزت و شرافت مطلوب اسلام حرف بزنم.

رئی صحنه‌های مبارزات مسلمین امروز جهان بسیار زیاد است و در این محفل کسانی هستند که در قسمتهای مربوط به خودشان بهتر از من میتوانند از مبارزات پی گیر خودشان بحث کنند و حوادث خویش مبسوطاً بگویند.

یکی از برادران الجزائری از مجاهدات الجزائری بگوید و برادران پاکستانی هم شرح قضیه کشمیر را بیان فرمایند و نمایندۀ محترم اندونزی حدیث مبارزات مردم رشید اندونزی را توضیح دهد و اهالی حجاز هم که ما مهمان آنهائیم یابستی از حوادث جنوب عربستان صحبت نمایند و من تنها به حادثه فلسطین عزیز بهیچر دازم.

حادثه اسلامی :

قبل از هر چیز متذکر می‌شوم که قضیه فلسطین يك حادثه اسلامی صرف است نه تنها از این جهت که در يك منطقه اسلامی رخ داده است ، بلکه از اینرو که جنگ و نزاع فلسطین در حقیقت مبارزه یا مقدسات و حیثیت اسلام است ، اسلامی که متعلق به تمام کسانی است که تنها شهادتین را پذیرفته باشند ، این استعمار و صهیونیسم اند که در مقابل اسلام صف کشیده اند

قیام دولت پوشالی اسرائیل یکی از خطرناکترین پلاهای است که دامنگیر اسلام شده حملات و هجمات صلیبیون پی در پی و دورانهای طولانی ؛ اسلام را هدف فرار داد و اسپانیارا از دست مسلمین ربود و اگر آن قیام جوانمردانه مسلمین و آن دفاعهای بیدریغ نبود دین پیغمبر ﷺ از شمال آفریقا بکلی رخت بر بسته بود ، اسلام مورد حمله است و در عین حال تنها همین اسلام است که میتواند در مقابل استعمار مقاومت کند و همین حقیقت اسلام است که اکنون شمال آفریقا را از حلقوم استعمار گران بیرون میکشد .

مارا از بالکان بیرون کردند در قفقاز و ترکستان ضربه شدیدی به پیکر جامعه مسلمین وارد آمد و اگر ما در فلسطین در مقابل استعمار و صهیونیسم آماد نشویم تحقیقاً حملات خورد کننده صهیونیسم را بایستی تحمل نمائیم و در پیشگاه خدا و تاریخ اسلام سنگین بار و پر مسئولیت خواهیم بود .

ای لعنت و نفرین و ذلت بر آن روزیکه یهود بر خرابه های مسجد اقصی هیکل سلیمان را بنا کنند و راسنی بزرگترین ننگ اسلام و مسلمین اینست که در قلب ممالک اسلامی و در مقدس ترین بقاع متبرک خود

مورد حمله و شکست یهودیان پست و ذلیل واقع شوند .

شرافت و حیثیت دین اسلام و جامعه امروز و فردای مسلمین و وحدت و اعتبار و آبروی مسلمین حاضر و آینده اسلام مرهون کوباندن اسرائیل و لااقل زنده و پرشور نگهداشتن فکر مبارزه و مخالفت با صهیونیسم عمال استعمار است؛ فکری زنده و جاوید که بامید آن بمانیم و در راه آن جان دهیم.

هر مسلمانی آواره است:

بن گوریون نخست وزیر فلسطین غصب شده میگوید: « تمام یهود عالم که بیرون از فلسطین زندگی میکنند آواره و بی خاتمانند و درهای فلسطین بروی مهاجران یهود باز است و آژانس بین المللی بود کاملاً مجهز برای فرستادن یهود به فلسطین و تقویت بنیه اسرائیل میباشد .

منهم در این شورای عمومی اسلامی اعلام میکنم: « ما دامیکه فلسطین عزیز ما در تصرف صهیونیست های غارتگر است فرد فرد مسلمین جهان از لحاظ شرافت و کرامت و عزت و از نظر روحیه و فکر، آواره و نابسامان اند .

در مقابل این غارت صهیونی تنها باید يك نهضت اسلامی عمومی ایجاد شود تا این نهضت شوم استعماری را سر کوب کند .

بافدا کاری های مسلمین صدر اسلام؛ این منطقه بنور اسلام روشن گردید تا اینکه اروپائی های مسیحی با وضعی وحشیانه که حتماً حضرت مسیح از آن رفتار بیزار بودند آن را غصب کردند و مدت دو یست سال هم در میان بلاد اسلامی با جنگ و گریز ادامه حیات دادند ولی سر انجام

خداوند ما را پیروز و آنها را محکوم به شکست فرمود و این خود نمونه ایست که اگر مسلمین صفوف خود را فشرده کنند اسرائیل در مقابل آنها تاب مقاومت نخواهد داشت.

برادران مسلمان! جای خوشبختی است که در حال حاضر مسلمین جهان حادثه فلسطین را نه تنها یک مسئله اسلامی عمومی میدانند بلکه آنرا در رأس مسائل مشترک دینی خود قرار داده اند.

من فراموش نمیکنم آنروزی که مسئله تقسیم فلسطین در سازمان ملل متحد مطرح شد تمام دول اسلامی عضو سازمان، که آنروز عبارت از پاکستان و افغانستان و ایران و ترکیه و سعودی و سوریه و مصر و عراق و یمن و لبنان بودند، با اتفاق کلمه با آن مخالفت کردند و صف واحدی تشکیل دادند.

آنروز نماینده پاکستان از طرف تمام مسلمین جهان نسبت به تصمیم تقسیم فلسطین اعلان خطر کرد و عواقب شوم آنرا گوشزد نمود و در نتیجه «لویز» نماینده کلمبیا در این باره گفت:

«ما نباید از واقع قضیه غفلت کنیم و مخالفت سیزده عضو سازمان ملل را که در بین آنها نمایندگان همه دولت های مسلمان و نماینده تمام مسلمین روی جهانند، نادیده بگیریم، اگر مسئله یهودیان یک مسئله مذهبی و نژادی است، در مقابل آنها بیش از چهار صد میلیون مسلمان صف کشیده اند، آنهم مردمی که فقط با اعتراض کفایت نمیکند و بلکه با سرسختی بجنگ قرار تقسیم میآیند و در چنین وضعی قرار تقسیم فلسطین شانس درستی برای موفقیت نخواهد داشت»

این درك نماينده كلمبيا است و اميدوارم كه در اثر كننگره مقدس در اين مكان شريف وسائل ايجاد و تحكيم فكر انتقاد فلسطین در دلهاي همه جوامع اسلامي نفوذ كند ،

جائيكه يكتنفر راهب مسيحي موفق شد كه از دريچه احساسات مذهبي تمام اروپا را براي گرفتن قبر خيالي و موهوم حضرت مسيح ، بهيجان در آورد ، و جنگ هاي صليبي را ايجاد نمايد ، چرا ما نتوانيم از احساسات امت اسلام براي نجات فلسطین عزيز ، همانجائيكه رسول خدا را در شب معراج بخود جلب كرد ، و صدها آثار مقدس مذهبي را در خود جاي داده است ، از دست دشمنان سر سخت و پرقساوت رسول اكرم (يهود) بهره برداري نمائيم .

هدفهای صهیونیسم:

برادران مسلمان ! من ناچارم كه سر گذشت فلسطین را در اینجا بطور خلاصه بگویم تا حضار محترم به فكر چاره اساسی بیفتند و نقشه های لازم را طرح نمایند ، فعلا مجال اينكه مبسوط تاريخ صهیونیسم و هدفهای خائنانه متجاوزانه آنانرا بگویم ندارم و فقط بايد بهدق خطر ناك آنان از شیبخون رذن و غارت فلسطین اشاره كنم .

هدف نزديك آنان ايجاد يك دولت يهودی در تمام نقطه های میان فرات و نیل است و منتظر فرصتی برای تجديد بنای هيكل سليمان بر خرابه های مسجد اقصی میباشد .

نخست وزير اسرائيل در نطق خود باصراحت گفت كه: « فلسطین بدون بیت المقدس برای ما ارزشی ندارد و شهر بیت المقدس هم بدون هيكل سليمان اعتباری نخواهد داشت »

هدف‌ها و هرسهای نهائی یهودایتست که بطور نامحدود از ممالک عربی مجاور فلسطین و عموم ممالک اسلامی تا بتوانند غضب کنند و هوس تصرف کردن و عراق و سوریه و لبنان و حجاز را مکرر ابراز نموده اند.

وعدۀ بالفور و تجزیۀ امپراطوری اسلامی :

در این يك مجلس نمی توانم پیرامون وعدۀ بالفور که سر منشأ همه مصائب و یالاهای فلسطین است مشروحاً بحث نمایم و فقط اشاره میکنم که : بالفور و زیر امور خارجه انگلستان در سال ۱۹۱۷ در اثناء جنگ دوم جهانی پس از آنکه انگلستان برای وارد کردن عرب در جبهۀ مخالف دولت عثمانی و ایجاد انقلاب عربی علیه دولت مرکزی اسلامی، عرب وعده استقلال داده بود، طی نامه‌ای که به شخص «روحیلد» یهودی نوشت به او وعده ایجاد وطن نژادی یهود در فلسطین را داد.

باز نمیخواهم که در این مؤتمر شریف از حادثۀ اسف بار تقسیم و تجزیۀ مملکت وسیع اسلامی با نقشه‌های استعماری و نحوه تقسیم و قرار دادن فلسطین را تحت سرپرستی و قیمومت انگلستان بحث کنم و نمیخواهم در اینجا بگویم که چگونه استعمارگران با نفوذ در جامعه ملل وعده بالفور را در قانون و آئین نامه سرپرستی گنجاندند؛ و چگونه انگلستان مسؤول تهیه زمینۀ ایجاد وطن نژادی یهود معرفی شد و چگونه برخلاف اراده و میل صاحبان فلسطین، این سرپرست عادل! همه چیز آنها را بغارت استعمار و صهونیسم داد...

مبارزات ملت فلسطین :

خدا میداند که ملت فلسطین در طول این مدت ذره‌ای

کوتاهی نکردند؛ این ملت ضعیف بی سلاح در طول سی سال با قلدترین
ممالك آنروز جهان و خبیثترین ملل روی زمین (صهیونیستها) دست
و پنجه نرم میکردند...

نعمه شوم تقسیم فلسطین که برای اولین بار توسط پازرسان دربار،
انگلستان بعنوان تنها راه حل اعلان شد فلسطین را یکپارچه آتش کرد
و انگلستان این بار با پنجاه هزار سرباز و پلیس بجنگ ملت از خود گذشته
فلسطین آمد و هزارها افراد پاک و آزاده فلسطین را بخون و آتش کشید
و حتی طبق اعتراف وزیر مستعمرات انگلستان ۱۴۸ نفر را بجرم حمل
اسلحه در زندان عکا تحویل چوبه داردادند و در عین حال نتوانستند ملت
را آرام و انقلاب را خاموش کنند.

هزارها شهید و زخمی و زندانی و تبعیدی دادیم و میلیونها دینار
خسارت بردیم خانههای ما را ویران کردند مزارع ما را با آتش کشیدند و سر
انجام کمیسیون فنی، تقسیم را در شرائط موجود آن روز غیر عملی اعلان کرد
و به عرب وعدههای امید بخشی بصورت کتاب سفید داده شد.
این عقب نشینی انگلستان حبله ای بود که یکبار دیگر عرب را
بخواب کند.

با این حبله انقلاب را آرام کردند و استعمارگران و صهیونیسم
با تمام قوی مشغول مسلح کردن و تقویت نمودن بنیه نظامی یهودیان
در مقابل عرب شدند تا آنکه سازمان خطرناک یهودی «ها جانا» با
شصت هزار افراد مسلح بصورت یک ارتش قوی خو نخوار بوجود آمد.
و قتیکه یهود را آماده مقاومت در مقابل عرب کردند، انگلستان
شروع به شکستن وعدهها کرد و از طرفی کم کم پای آمریکاهم بصورت

علنی بتقع صهیونیسم بمیان کشیده شد و رسماً در قضیه‌ای که بی‌پایان
بامریکا مربوط نبود مداخله کرد و کمیسیون مشترک انگلیس و امریکا
برای حل مشکل تشکیل دادند و رفته رفته انگلستان مکار قضیه را
باختیار سازمان ملل سپرد.

ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا بدون پروا و محافظه در سازمان
ملل متحد مشغول باعمال نفوذ در جهت منافع صهیونیسم شد نمایندگان
ملل پست و ضعیف را با تهدید و تطمیع فریب داد و با زور و فشار و دوز و
کلک، سازمان ملل را وادار کرد که تقسیم فلسطین را تصویب نماید و سر
انجام سازمان ملل متحد قرار تقسیم را که تخم همه مصائب و فلاکت‌ها
است صادر کرد.

جالب و در عین حال اسف‌بار اینست که استعمار سرخ و سیاه که در
تمام مراحل باهم جنگ آشتی ناپذیر داشتند، در مورد کوباندن ماو
پایمال کردن حقوق ملت مظلوم فلسطین دست همکاری دادند و تفاهم
برقرار نمودند.

این قرار ظالمانه و متجاوزانه از یک مقامی که بنام عدالت بوجود
آمده بود صادر گردید پنجاه و شش درصد از اراضی فلسطین را یهودیان
که فقط مالک ۶/۵٪ از اراضی بودند و جمعیتشان هم کمتر از ثلث
جمعیت فلسطین بود تقدیم کرد، ۴۴٪ از اراضی غیر مرغوب و کم درآمد
را برای عرب صاحبان و مالکان فلسطین باقی گذاشت.

طبعاً چنین عملی عرب را که از طرف استعمار گران خلع صلاح
هم شده بودند باز خود گذشتگی وارد معرکه با یهودیان مسلح کرد و در
اثر فداکاری و تهور عرب، امریکا تظاهر به عقب نشینی کرد و پیشنهاد نمود

که فلسطین در بست تحت وصایت سازمان ملل در آید.

در همین حال انگلستان شروع به تخلیه فلسطین کرد، آنهم بصورتیکه دست یهود را همه جا باز و عرب را دست بسته و بی سلاح در زیر شمشیر خونبار یهود میگذاشت از هر جا که میخواست قوای خود را بیرون ببرد ابتدا عرب را خلع صلاح میکرد و اسلحه های خود را در خفا بیهود میداد و ناگهان میرفت، و بلافاصله حملات وحشیانه و حساب شده یهود به عرب آغاز میشد و بدین ترتیب قسمت اعظم فلسطین را غاصبانه تصرف کردند و عرب های صاحب خانه را متواری و ویلان و آواره نمودند.

سازمان ملل و کنت برنادوت را برای رسیدگی به وضع فلسطین تعیین نمود، و او هم پس از مطالعات گزارشات و پیشنهاداتی تنظیم کرد و چون بعضی از آنها بضرر یهود بود، یهود او را ترور کردند.

بر اساس نظرات او، سازمان ملل قراری راجع به فلسطین صادر کرد که پند یازدهم آن به آوارگان عرب حق میدهد که به وطن خود برگردند و مایملک خود را تصرف کند و یا عوض اموال خود را بگیرند و یک کمیسیون بین المللی هم مرکب از نمایندگان امریکافرانسه و ترکیه برای اجرای این قرار تشکیل گردید.

با همه اصراری که سازمان ملل (در ظاهر) برای اجرای این قرار نشان میدهد دولت غاصب اسرائیل این دست پرورده و ناز پرورده استعمار گران و خود سازمان ملل با کمال پروژئی و جسارت رسماً اعلان می کند که حتی بیک نفر آواره اجازه مراجعت به وطن نخواهد داد.

کمیسیون توفیق هم روی نقشه معلومی در کار خود اهمال و

مسامحه و محاطله بخرج میدهد، مسامحه میکند تا عرب آوازه را از مراجعت به وطن، مأیوس نماید، و فکروطن را در اثر مرور زمان در مغز آنان خفه کند و با ایجاد مشکلات و بزرگ نشان دادن آنها مراجعت به وطن را محال معرفی نماید (چنین است وضع کار عدالتخانه! سازمان ملل). و ضمناً سازمان ملل دفترى هم برای کمک و دستگیری آوارگان و ایجاد کار و وسائل زندگی موقت برای آنان تشکیل داده است؛ که فقط از مرگ بعضی از آنها جلوگیری میکند و بصورت زندگی قرون وسطائی آنانرا اداره مینماید.

و هن در اینجا، بتمام دنیا اعلام میکنم که این کمکهای سازمان ملل برای عرب آواره اصلاً قانع کننده نیست زیرا قضیه آوارگان فلسطین با چند لقمه نان و چند قطعه پارچه و چند خیمه و غار و چند ریال پول که از مجرای صدقات دول دیگر بدست میآید در حالیکه دهها میلیارد ریال در آمد سالانه اموال خود اینها و سیله عیاشی یهودیان غارتگر است، اصلاح نمیشود.

قضیه آوارگان مسئله شرافت و حیثیت و سیادت و آقائی از دست رفته است، مسئله سیادت و حکومت بر منطقه ای است که قرنهای پدران آنها با شرافت و عزت در آنجا ریاست و آقائی و زندگی داشته اند، مسئله علاقه و عشق بوطن و خانمان است.

بزرگترین و ظیفه دنیای اسلام و عرب اینست که آوارگان را تأیید و تقویت کنند و آنها را از چند شاهی ناقابل که از امریکا و انگلستان... دریافت مینمایند، مستغنی نمایند، آنها را آماده کنند تا آنجا که بتوانند به وطن خویش برگردند و دشمن خود را بیرون نمایند

وزندگی شرافتمندانه را از سر بگیرند .

درآمد سالانه املاك این آوارگان طبق آمار رسمی ده بلیون ریال است ، نمایندگان عرب در سازمان ملل ، پیشنهاد کردند که از طرف سازمان يك تفرقیم معلوم شود و در داخل اسرائیل به این املاك و اموال رسیدگی کند ، ولی دست استعمار که هنوز هم در ساحت شریف سازمان ملل نفوذ دارد نمیگذارد این لایحه با اینکه اکثریت آراء را هم دارد ، تصویب گردد (چون نصاب دو ثلث آراء لازم است) .

موقعیت سیاسی در سازمان ملل :

در دوره گذشته سازمان ملل ، تا گهان مواجهه با لایحه‌ای شدیم که: میگفت عرب و اسرائیل مستقیماً برای حل اختلافات خود بایستی وارد مذاکره شوند ، و معنای این پیشنهاد ایست که: ما دولت اسرائیل را برسمیت بشناسیم و به صلاحیت او برای مذاکرات اعتراف نمائیم .
متأسفانه چند دولت آفریقائی هم با این لایحه موافق بودند و این میرساند که اسرائیل نفوذ خود را به قاره آفریقا کشانده و در آن دول ضعیف نفوذ کرده است .

بعداً ما این دول آفریقا را که در راه آزاد شدنشان کمکهای زیادی بآنان کرده بودیم مورد عتاب قرار دادیم که چرا بدون مشاوره با ما و جلب موافقت ما که در مراحل مبارزات شما برای کسب آزادی بشما کمک داده‌ایم بچنین کاری اقدام کرده‌اید و مخالفت‌های اسرائیل را با قرارات سازمان ملل در مورد مراجعت آوارگان ندیده گرفته‌اید ..

گرچه این لایحه در موقع رأی گیری شکست خورد ولی تحقیقاً اسرائیل بهمین زودی تجدید نفس میکند و از نو نغمه را ساز خواهد کرد و خلاصه این خطر دائماً دامن گیر ما است ، و امیدواریم که دول آفریقا از این به بعد مواظب باشند که بضرر ما اقدامی نکنند .

پاکستان و افغانستان و اندونزی در سازمان ملل پیشنهاد کردند که کمیسیون توفیق که مأمور اجرای قرار سازمان ملل در مورد آوارگان است تبدیل به کمیسیون دیگری شود و کمیسیون جدید ، حفظ و حراست املاک آوارگان را هم متعهد گردد ولی چون این پیشنهاد در مجمع عمومی حائز دو ثلث آراء نشد ، تصویب نگردید گرچه اکثریت آراء را داشت .

تقویم اموال آوارگان:

بنما به پیشنهاد نماینده امریکا در کمیسیون توفیق ، از مجمع عمومی سازمان ملل تقاضا شد که قیمت اموال آوارگان فلسطین آن روزیکه دوران قیمومت انگلستان پایان رسیده معلوم شود . منظور از این پیشنهاد این بود که مقدمات پرداخت قیمت اموال عرب که یهود از کمک های بی دریغ امریکا میپردازد تهیه شود و کم کم آوارگان را از مراجعت بوطن مأیوس کنند . این بزرگترین خطری است که ما را تهدید میکند و بایستی کاملاً بیدار باشیم حادثه فلسطین و آوارگان همچنین معلق ویی سامان بماند خیلی بهتر از این است که با چند شاهی پول حل گردد زیرا وطن را نمیشود با مال و پول عوض کرد و آوارگان فقط وطن میخواهند نه پول و مال .

و من برای مساعدت به قضیه فلسطین پیشنهاداتی دارم که آنها را به کمیسیون پیشنهادات مؤتمر تقدیم میکنم که او آنها را به جلسات مؤتمر عرضه پدارد .

برادران مسلمان:

برادران مسلمان نیکه از اطراف عالم برای خدادراین مکان مقدس اجتماع کرده اید بیائید با پیغمبر خدا ﷺ در راه حفظ و حمایت اسلام و مسلمین تجدید بیعت کنیم و همگی بگوئیم:

نَحْنُ اللَّذُونَ بَايَعُوا مُحَمَّدًا عَلَى الْجِهَادِ مَا بَقِيَْنَا أَبَدًا (۱)

شما ای مسلمانان جهان شما ای برادران پاکستانی، سنگالی، فیلیپینی و نیجریه ای، ایرانی، ترکیه ای، سیلانی، ملایوئی، سنگاپوری، چینی افغانی، سیرالیونی، مسلمانان اندونزی و سومالی و... همدوش برادران عرب بایستی از مسجد اقصی و مقدسات فلسطین دفاع نمائید .

بیست و هفت سال قبل اعلیه حضرت ملک سعود که آن روز ولیعهد حجاز بود به فلسطین آمد شاعر شهید مادر مقابل او این شعر را خواند .

الْمَسْجِدُ الْأَقْصَى أَجِئْتَ تَزُورُهُ أَمْ جِئْتَ مِنْ قَبْلِ الضِّيَاعِ تُودَعُ (۲)

اشک در چشمان ملک سعود حلقه زد و من وقتی که تأثر ایشان را دیدم گفتم:

این اشکها عهدی است که ولیعهد امروز و شاه فردا می بندد که از

(۱) ما مردمی هستیم که با پیغمبر خدا بیعت کرده ایم که تا آخرین قطره

خون و آخرین رمق حیات در راه تعقیب هدف مقدس او مجاهده نمائیم .

(۲) آیا آمده ای مسجد اقصی را زیارت کنی، یا می خواهی قبل از آنکه

یهودیان آنرا غصب کنند، با آن وداع نمائی

فلسطین عزیز دفاع کند و شاید همین مؤتمر شریف را که ایشان در مکه منعقد کرده اند، وفای آن عهد باشد.

امیدوارم که نتیجه‌ی این کنگره اسلامی این باشد که دل‌های مسلمین بهم نزدیک شود و در راه دفاع از اسلام و مسلمین دست همکاری بدهند و از تمام امکانات عظیم خود برای پیشبرد اسلام و کوباندن دشمنان آن استفاده نمایند.

یا کمال جرأت می‌گویم: روزی که مسلمانان جهان بپیمند که قضیه فلسطین مخصوص مردم فلسطین یا عرب نیست بلکه به شرافت و حیثیت و موجودیت تمام مسلمین بستگی دارد، آن روز روز رفت و ناپودی اسرائیل و زوال ستاره شوم صهیونیسم است.

وبئس المصیر وبئس القرار

تجاوز
خطرناک صهیونیسم

اطلاعیه مطبوعاتی ۲۰ بهمن ۱۳۴۲

تجذیر مسیرو رود اردن یا تجاوز خطرناک صهیونیسم

مقدمه

آوار جغرافیائی
نقشه‌های صهیونیستها
طرح جانستن
اعتراضات و ایرادات اعراب به طرح
شامل :
جانستن.

جبهات حقوقی
مساعی عرب در راه جلوگیری از تجاوز
نتیجه
بیانیه شورای سلاطین و رؤسا،
کشورهای عضو اتحادیه عرب

مقدمه :

فاجعه فلسطین همچنان ادامه دارد . آوارگان عرب فلسطین اینک
شانزد همین زمستان را در لباسهای ژنده و چادرهای فرسوده خویش
گذرانده و ناظر بازی مسخره‌ای بنام مرزبوده و شاهد اشغال خاك همین
عزیزشان از طرف بیگانگان میباشند.

مفاد قطعنامه‌های سازمان ملل متحد تا کنون اجرا نگردیده و آوارگان عرب پیوسته در انتظار روزی هستند که به‌مام‌میهن خود باز گردانده شوند و خسارات آنان جبران گردد .

از طرف دیگر تبلیغات صهیونیها با حدت و شدت هر چه تمامتر ، سعی دارد که جهانیان قضیه آوارگان را فراموش کنند ، نام فلسطین را از صفحات تاریخ و جغرافیا بزدایند و بالاخره بر روی جنایات و فجایعی که از طرف اسرائیل در این سرزمین مقدس انجام شده سرپوشی بگذارند . برای انجام این منظور صهیونیها بوسائل مختلف منشست و راههای گوناگون را پیموده‌اند که یکی از آخرین آنها پیش کشیدن قضیه مسخره پروژه عمران است و هدف صهیونیها از پروژه عمران دو چیز بیش نیست .

یکی اغفال جهانیان از این طریق که بعنوان دروغین انجام پروژه های مترقی آبادانی ، اصل قضیه فلسطین و آوارگان را از یاد ببرند و دیگر آنکه تحت عنوان عمران و آبادی اراضی وسیعتر ، آبهای بیشتر و ثروت عظیمتری را غصب نمایند .

فصل جدید نقشه اغفال صهیونیها تغییر مسیر آب رودخانه‌های کشورهای عربی و مخصوصاً رودخانه اردن بتنع خویش است . آنها تصور مینمایند که جهانیان در برابر تجاوز جدید آنها تحت عنوان مسخره و افسانه‌ی عمران و آبادی بهمانگونه که در سال ۱۹۴۸ که اسرائیل خاک کشور فلسطین عربی را غصب نمود ، سکوت کردند ، این بار هم چشم پوشی کرده و سکوت خواهد نمود .

هدف این طرح و نقشه جدید صهیونیها اینست که مسیر رودخانه

اردن را که در خاک کشور های سوریه و لبنان جاریست بمطقة نقب در جنوب فلسطین ؛ تغییر دهند و در نتیجه مقدمات انتقال تعداد بیشتری از مهاجرین یهود را (در حدود دو میلیون نفر) بسر زمین مقدس فلسطین فراهم نمایند و رؤیای شیرین صهیونیها را در مورد توسعه بیشتر و غصب اراضی وسیعتری در سرزمینهای عرب فراهم نمایند .

صهیونیها بخوبی واقفند که موضوع آب در این منطقه از جهان یعنی منطقه ای که برای اجرای نقشه های تجاوزکارانه خود انتخاب نموده اند ؛ مهمترین عامل حیات است .

روی این اصل پیوسته از اسرائیلی دم میزنند که از رود نیل تا رود فرات و احیاناً مناطق فراتر از آن را دربرداشته باشد و در باب این مقوله از رودخانه ها نیز نام میبرند

مهم اینکه از آغاز نهضت صهیونیها در سال ۱۸۸۲ تا کنون موضوع استثمار رودخانه ها در سرزمینهای عربی فلسطین پیوسته در نقشه های مختلف صهیونیها یاد شده است .

بیشتر این طرحها و نقشه ها بر مبنای تغییر مسیر رودخانه های عربی در سرزمینهای عربی ، به صحرای نقب میباشد

در سال ۱۹۵۵ بن گوریون اظهار داشت . « کشور اسرائیل در مورد آب رودخانه ها با اعراب در حالت جنگ بسر می برد و چنانچه در این جبهه شکست بخورد تمامیت و موجودیت آن بمخاطره خواهد افتاد »

بنابر این جا دارد این موضوع را باخصار از نظر سوابق آن بطور واقع بینانه و یا در نظر گرفتن حوادث جاری و اهمیتی که به آن داده میشود مورد مطالعه قرار دهیم .

آمار جغرافیائی

طول رودخانه اردن ۱۵۶ میل (حدود ۳۰۰ کیلومتر) است و پیش از آنکه به دریاچه طبریه بریزد، سرود کوچک دیگر بنام بانیا س حسابانی و دان در آن میریزند

در جسر المقامه در مرز مشترک سوریه و اردن و اسرائیل رودخانه اردن وارد منطقه کوچکی بنام مثلث یرموک می گردد و در اینجا است که مرزی را که اردن را از منطقه اشغالی فلسطین از طرف اسرائیل، تا جنوب بیان در منتهی الیه خط آتش بس امتداد دارد جدا می کند تشکیل میدهد

از این نقطه بعد، بار دیگر رودخانه مزبور کلاً در خاکهای عربی جاری میگردد و دو شعبه کوچکی که در آن میریزند عبارتند از یرموک و زرقا، مجموع مقدار آبی که در این رودخانه در سال جاری میگردد ۱/۸۸۰ میلیون متر مکعب است که ۰/۷۷ آن از کشور های لبنان و سوریه و اردن سرچشمه میگردد.

شیب زیاد این رودخانه از جهت تولید نیروی برق و آبیاری دره های واقع در دو طرف رود بسیار مفید است

تردیدی نیست که هر گونه طرح و نقشه منطقه ای، برای استفاده از آب رودخانه اردن و شعبات آن بایستی تأمین منافع عادلانه کلیه ذینفعان را در بر داشته باشد، در صورتیکه اسرائیل سعی کرده است یکطرفه و بتبع انحصاری خود، مسیر این رودخانه را تغییر دهد و از این طریق حقوق کشورهای عربی را غصب و به آنها تجاوز نماید.

نقشه‌های صهیونیها ..

از آغاز دوران قیمومت و اجرای مراسم تقسیم ، صهیونیها برای استفادهٔ انحصاری از آب رودخانهٔ اردن برای اینکه سرزمین‌های بیشتری را زیر کشت آورده و زمینهٔ مهاجرت عدهٔ زیادتری از یهودیان رایج کشور اسرائیل فراهم نمایند، نقشه و طرح‌های مختلفی را پی ریزی نموده‌اند

در دوران قیمومت ، تحت فشار عظیم صهیونیها ، کمیون مشترک نقشه‌برداری فلسطین؛ از طرف آژانس یهود، جهت نقشه‌برداری از فلسطین استخدام گردید

موضوع آب، مهمترین مسئله‌ای بود که فکر و ذکر رهبران و زعماء صهیونیها را اشغال میکرد و لذا با عجله نقشه‌هایی جهت غصب آب رودخانهٔ اردن طرح کردند

در سال ۱۹۳۹ بنا به دعوت آژانس یهود دکتر لرد میلک گزارشی در مورد آبیاری صحرائی نقب‌تپیه نمود

طرح مشارالیه در سال ۱۹۴۴ چاپ و منتشر گردید و هدف طرح مزبور تهیه امکانات لازم برای اسکان چهار میلیون مهاجر یهودی دیگر ، در سرزمین مقدس فلسطین بود .

همچنین برای ادامه و توسعهٔ صنایع معدنی بحریمیت پیشنهاد نمود که در نزدیکی حیفا کانالی از دریای مدیترانه به بحریمیت حفر گردد که با اصطلاح طرح علی البدل تغییر مسیر رودخانه اردن باشد

این طرح به بهترین وجهی تجاوز صهیونیها را به آبهای عربی و همچنین استفادهٔ انحصاری از رودخانه‌های بین المللی برای تأمین منافع اختصاصی جلوه گر میسازد .

یکی از هدفهای برنامه هفت ساله (۱۹۵۲) اسرائیل تأمین مقدار ۵۴۰ میلیون متر مکعب آب از رودخانه اردن بود که باین نحو می بایستی انجام گردد

کشیدن آب دریاچه حله (۱۲۰ میلیون متر مکعب) تغییر مسیر رود اردن در محلی بنام **جسر بنات یعقوب** در منطقه خلج **سلاح شده** (۳۴۰ میلیون متر مکعب) و تغییر مسیر آبهای جاری از دریاچه طبریه از طریق کانال بسان قنوت (۸۰ میلیون متر مکعب)

مقدار آبی که باین طریق جریان پیدا میکند، آبشاری را در کنار دریاچه طبریه تحت کنترل صهیونیها بوجود می آورد که می تواند نیروی برق عظیمی ایجاد کند و از طرفی آب مزبور، بیشتر بوسیله کانال بسمت مغرب به مخزن **بزرگ البتاوف** هدایت میگردد، و بوسیله تلمبه‌هایی که از نیروی برق بدست آمده توسط لوله‌های بزرگ سیمانی بطرف جنوب به **فلوجه** و از آنجا بسحرای **تقب** هدایت گردد

برنامه دهساله اسرائیل همان برنامه هفت ساله است، یا این تفاوت که افزایش ۱۶۰ میلیون متر مکعب آب، در آن منظور گردیده است که در نتیجه تغییر مسیر رود اردن در نقطه **جسر بنات یعقوب** از طریق منطقه خلج **سلاح شده**؛ انجام و استفاده از دریاچه طبریه بجای مخزن **البتاوف** برای ذخیره کردن آبهای حاصله قید شده، باین ترتیب در نتیجه اجرای برنامه دهساله، اسرائیل، مقدار ۷۰۰ میلیون متر مکعب از آب رودخانه اردن را بطرف **خاک** خود منحرف خواهند نمود. در مقابل پیشنهاداتی که از طرف کمیسیون اعزامی جاستن بعمل آمد (که مابعداً آنرا مورد بحث قرار خواهیم داد) اسرائیلیها در سال

۱۹۵۴) بر نامه هفت ساله خود را تعدیل و نام آنرا به بر نامه کشت پنبه تغییر دادند

نتیجه و حاصل تعدیل مزبور این بود که مسیر تمام آبهای قسمت بالای رود اردن و همچنین ۴۰۰ میلیون متر مکعب از رودخانه لیتانی را به صحرای نقب تغییر دادند و این مقدار اضافه بر ۱۰۰ میلیون متر مکعب آبی بود که از رود یرموک میبردند .

با اجرای این نقشه ها ، اسرائیل در سال ۱۹۵۶ نخستین مرحله پروژه خود را با کشیدن آب دریاچه حله و هدایت آب آن بوسیله کانالی بطور ۸۰ سانتیمتر ، تکمیل نمود و باین طریق مقدار ۱۰۰ میلیون متر مکعب آب برای خود ذخیره و محفوظ داشت .

برای تسریع کار یک کارخانه لوله سازی در ماسدال ایجاد کردند و یک تلمبه خانه در جنوب دریاچه طبریه احداث و با سرعت هر چه تمام تر آب را بوسیله تلمبه های قوی بدره اردن در جنوب فلسطین سرا زیر کردند .

نظر باینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۳ از اقدام اسرائیل بتغییر مسیر رود اردن در ناحیه جسر بنات یعقوب از طریق منطقه خلغ سلاح شده جلوگیری کرد ، اسرائیل قصد دارد بطریق دیگری این تغییر مسیر را با کنار گذاردن ناحیه مزبور عملی نماید .

باین نحو که از نقطه ای در گوشه شمال غربی دریاچه طبریه آب را بوسیله تلمبه و استفاده از کانال به مخزن البتاوف بفرستند و از آنجا بوسیله لوله بمجرای نقب هدایت کند و هم اکنون اسرائیل کار ساختمان کانال را از دریاچه طبریه بمخزن البتاوف و همچنین ساختمان خود

مخزن و قسمتی از لوله کشی راتا جلگه نقب به پایان رسانیده است
در مرحله اول؛ قرار بود در سال ۱۹۶۴ مقداری معادل ۱۸۰
میلیون متر مکعب آب بصرای نقب برسد، ولی اسرائیل با افزایش
حجم کار و فعالیت خود مدت آنرا یکسال کوتاهتر کرد و قسمت مرحله
اول برنامه را در سال ۱۹۶۳ به پایان رسانید.
بموجب پیش بینی هائیکه بعمل آمده، قرار است با کشیدن لوله
(۱۰۸) اینچی تا صحرای نقب و اضافه نمودن دو خط لوله کشی (۷۰)
اینچی برای تقسیم آب و ساختمان مخازن و تلمبه خانه های دیگر، تمام
پروژه، تا سال ۱۹۶۸ تکمیل گردد.

طرح جانستن:

بموجب طرح جانستن از آب ریزاردن معادل ۱۳۰۵ میلیون متر
مکعب آب بدست می آید که این مقدار آب مساحتی را معادل ۳۳۴/۰۰۰
جریب زمین، آبیاری مینماید و از مجموع این مساحت ۲۰۰/۰۰۰
جریب در خاک اسرائیل قرار داد و نیز تهیه مقدار ۲۱۰ میلیون کیلو-
وات نیروی برق؛ ده، تا پانزده سال طول میکشد.
هزینه انجام این طرح بطوریکه حساب شده ۱۲۱ میلیون دلار
میشود که مبلغ ۸۸ میلیون آن صرف پروژه آبیاری و ۳۳ میلیون صرف
پروژه تهیه نیروی برق میگردد.

پروژه مزبور شامل مواردی باین شرح میباشد: ساختمان کانال
اصلی از رودهای پانیاس؛ دان، تل القادی و حسابانی بمنظور برگرداندن
سر آب رودخانه اردن تا نزدیکیهای لبنان که باین طریق ۲۸۴ میلیون
متر مکعب آب از این رودخانه سهم اسرائیل گردد.

ساختمان سد، بر روی رود حسیانی، ساخته از کانال تا (تل الحار) برای استفاده کارخانه تولید برق؛ کشیدن آب مردابهای حله، ایجاد دو کانال از جنوب دریاچه طبریه تا حدود بحر میت منظور آبیاری دره اردن، در اسرائیل واردن؛ ذخیره کردن آب رود یرموک در دریاچه طبریه که تحت کنترل اسرائیل است و بالاخره احداث سد برای تولید نیروی برق در **ماکارین** و همچنین ساختمان یک کانال آب در جنوب رود یرموک از ماکارین تا قادسیه

بطوریکه ملاحظه میشود این طرح موسوم بطرح جانستن یک توطئه دیگر بین المللی است که تحت فشار صهیونیا برای شروع جلوه دادن نقشه های تجاوز کارانه اسرائیل در سرزمینهای عربی تنظیم و تهیه شده است.

اعتراضات و ایرادات عرب به طرح جانستن:

کشورهای عربی بشکات مشروطه زیر این طرح، ایراد و اعتراض نمودند:

- ۱- ذخیره کردن آب رود یرموک که متعلق به عرب است، در دریاچه طبریه که تحت کنترل صهیونیها میباشد.
- ۲- اجرای این پروژه تحت نظر مقامات بین المللی که بعلمت نفوذ فوق العاده صهیونیها در مراجع بین المللی، این اقدام را بسیار خطرناک خواهد نمود.
- ۳- آسیب به کشاورزی کشور اردن، بعلمت شوری آب دریاچه طبریه که از آب رود یرموک شورتراست و همچنین ایراد باینعمل از نظر اینکه در دریاچه طبریه میزان تبخیر آب بیشتر است.

۴- آسیب به اماکن و بقاع مقدسه اطراف دریاچه طبریه، بعثت بالا آمدن سطح آب دریاچه .

۵- مانع شدن از اینکه ارتفاع سدماکارین از ۵۸ متر بلند تر باشد ، تا اینکه بتواند فقط ۷۳ میلیون متر مکعب آب برای مصرف عرب ذخیره کند ، و بقیه به دریاچه طبریه برای مصرف صهیونیها سرازیر گردد .

۶- احداث کارخانه برق حسابانی در تل الحار که در ناحیه اشغالی اسرائیل است و از این راه کشور لبنان از بهره مند شدن از نیروی آن محروم می گردد .

۷- تعویق ایجاد کارخانه برق قادسیه در اردن که مفهومش اینست که عرب نخواهند توانست حتی از آن مقدار جزئی آبی که برای آنها باقی خواهد ماند و میبایستی از مخزن ماکارین در اردن بدست بیایند استفاده نمایند .

۸- محدود کردن امکانات آبیاری در سوریه به ۳۰/۰۰۰ جریب و باین طریق سوریه از حق خویش در مورد استفاده از آبهای رودخانه های عربی بنیاس - دان - تل القادی و یرموک محروم می گردد .

۹- از حیز استفاده افتادن رود حسابانی برای لبنان ؛ با اینکه از خاک لبنان میگذرد زیرا بموجب این پروژه ، میبایستی سدی بر روی این رودخانه بسته شود تا آب آنرا فقط برای مصرف کشور اسرائیل ذخیره نماید .

جهات حقوقی:

نقشه جدید تجاوز کارانه صهیونیها در مورد تغییر مسیر رودخانه

اردن مفاهیم زیر را دربردارد .

۱- صهیونیا از آب رودخانه های متعلق به عرب برای اجرای پروژه های خود و عمران و آبادی صحرای نقب استفاده خواهند کرد تا بتوانند وسائل مهاجرت حدود دوالی سه میلیون مهاجر یهودی دیگر را باین منطقه فراهم نمایند .

با این عمل بنیه اقتصادی و نظامی اسرائیل افزایش خواهد یافت و اجرای نقشه های تجاوز آمیز و توسعه طلبانه و غاصبانه بعدی آنها تسهیل خواهد گردید .

۲- صهیونیا اقدامات عادلانه و دفاعی عرب را در مورد محاصره اقتصادی اسرائیل یا شکست روبرو خواهند ساخت ؛ باین طریق بهانه عمران و آبادی در نهایت سهولت در این مبارزه فاتح خواهند آمد .

۳- این نقشه های صهیونیا بطور غیر مستقیم منجر به همکاری اقتصادی میان عرب و اسرائیل خواهد گشت و در نتیجه ، بقضیه فلسطین و حقوق آواره گان فلسطینی که بطور موقت زاد و بوم آنها بتصرف صهیونیهای مهاجم درآمده و همچنان چشم بعدالتخواهی بین المللی دوخته اند و انتظار میکشند با اجرای قطعنامه های سازمان ملل متحد (که اینک از طرف اسرائیل نقض گردیده) زاد و بوم آنان به آنها بازگردانده شود ، لطمه شدید وارد می آورد

با این ترتیب اسرائیل خواهد توانست مجوزی برای موجودیت غیر قانونی خویش بیابد و بار دیگر امید عرب و حقوق مردم فلسطین را در باز گشت به سر زمین های مغصوبه خود بیأس مبدل خواهد ساخت .

۴- هر گونه اقدامی که عرب در مورد رودخانه اردن بعمل آورند، در حیطه حقوق اختصاصی آنهاست. زیرا این رودخانه يك رودخانه است که کاملاً تعلق به عرب دارد و هر گونه تصمیمی در باره آن در حدود صلاحیت عرب و با موافقت اهالی واقعی فلسطین است.

بنابر این، اسرائیل هیچوجه حق ندارد مسیر رودخانه اردن را تغییر دهد.

در اینجا بيمورد نیست مراتب زیر را از (اوپن هایم) که یکی از حقوقدانان بنام بین المللی است درج نمائیم:

«تغییر مسیر آب های رودخانه های بین المللی، در صلاحیت يك جانبه هیچيك از کشورهای مشرف بر سواحل آنها نمیشد زیرا این یکی از قوانین بین المللی است که هیچ کشوری مجاز نیست اوضاع طبیعی خاک کشور خود را بر بیان اوضاع طبیعی خاک کشور همسایه تغییر دهد»

بنابر این تغییر مسیر آب رودخانه اردن که اسرائیل قصد دارد آنرا بنفع خود و بدون جلب رضایت و موافقت کشورهای عربی مشرف بر سواحل آن و همچنین بدون توجه و رعایت منافع اقتصادی عرب و حقوق مسلم آنها در آب های خویش دارد جز نقض قوانین بین المللی و تجاوز شدید به حقوق عرب نمیشد و عاملی است که صلح و آرامش منطقه خاور میانه را تهدید مینماید

از این گذشته: اسرائیل يك کشور قانونی نیست و فقط بعنوان «دوفاکتو» کنترل منطقه ایرا در فلسطین عربی، با کمک توطئه

بن المللی صهیون نیز موقوفاتی اهریمنی بعهده گرفته است. عرب در صورت
قانونی این هسته ای که با زور بوجود آمده معترف نیستند.

۵- همچنین نباید فراموش نمائیم که اسرائیل سرزمینهای برای
۳۵٪ بیش از آنچه مطابق نقشه تقسیم سال ۱۹۴۷ که از طرف سازمان
ملل متحد با و گذار شده با اکثریت فقط يك رأى بتصویب رسید،
در تصرف خویش گرفته است و چون رودخانه اردن این سرزمینهای
اضافی را نیز (که مطابق نقشه تقسیم تعلق به عرب دارد) آبیاری می
کند، اسرائیل بهیچوجه من الوجوه حق ندارد از آب روخانه
مذکور برای آبیاری سرزمین هائی که با و تعلق ندارد استفاده
نماید.

بهر تقدیر، عرب قطع ناعه تقسیم فلسطین را که با فشار شدید
صهیون نیزم از جلسه عمومی سازمان ملل متحد گذرانده شده، قبول
ندارند.

۶- تغییر مسیر رودخانه اردن از طرف اسرائیل نقض صریح قرار
داد متار که جنگ است که حاکیست: حالت موجود در منطقه خلع
سلاح شده باید حفظ گردد، و اضافه مینماید که هیچیک از طرفین حق
ندارد در این منطقه اقدامی از نظر نظامی یا اقتصادی بعمل آورد که
بمنفع خود و ضرر آنطرف دیگری باشد و استفاده یکطرفه اسرائیل
از تغییر مسیر رودخانه مزبور روشن تر از آنست که نیاز بموضیح
داشته باشد.

۷- تغییر مسیر رودخانه اردن، موجودیت غیرقانونی اسرائیل
را از راه فراهم کردن وسائل اسکان چندین میلیون مهاجر دیگر در

صحرای نقب و سرزمین اشغال شده عرب، بیش از پیش تحکیم می‌نماید و این خود از طرفی برای عرب و صلح جهانی تهدید و خطر بیشتری را ایجاد می‌کند و از طرفی گام دیگری در راه توسعه طلبی صهیونیسم بشمار می‌رود.

۸- استفاده از دریایچه طبریه بعنوان مخزن آب در واقع کنترل آبهای متعلق با عرب را تحت سلطه اسرائیل قرار می‌دهد و از طرفی بعثت شوری بیشتر آب این دریاچه؛ یکشاورزی کشورهای عربی لطمه می‌زند.

۹- شورای امنیت پیش از این، طی قطعنامه و موافقتنامه‌های صادره در سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۹ از نظر کشورهای عربی پشتیبانی کرده و از اسرائیل خواسته است که از طرحهای تجاوز کارانه خود در مورد تغییر مسیر رود خانه‌ها خودداری نماید.

۱۰- عرب‌ها هنوز با اسرائیل در حالت جنگ بسر می‌برند، جنگ آنها بصلح منتهی نشده بلکه به‌تار که انجامیده: زیر اهتوز خاک فلسطین در تصرف صهیونیها است و اهالی قسانونی آن که عربهای فلسطینی باشند، هنوز بعنوان يك واحد و يك ملت ولي محروم و دور از وطن خویش در تبعید بسر می‌برند.

بنابراین، عرب از حق مشروع خویش در مورد دفاع از سرزمین خود بهره مند بوده و همین حق آنها را و امیدارد که با کلیه طرحهای شوم صهیونیها که بمنافع حیاتی عرب لطمه می‌زند، مخالفت کنند.

۱۱- اجازه ورود عده بیشتری مهاجر یهودی بخاک فلسطین، اجرای مفاد قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را که مقرر میدارد آوارگان عرب بموطن خویش باز گردانده شوند، دچار اشکالات فراوان می‌نماید.

مساعی عرب در راه جلوگیری از تجاوز:

کشورهای عربی در مورد جلب توجه جهانیان بخطرری که نقشه‌های جدید صهیونیها دارند و تهدیدی که از این ناحیه متوجه صلح و آرامش بین‌المللی می‌باشد، هیچگاه فرصت را از دست نداده‌اند.

در سال ۱۹۵۱ کشور سوریه شکایتی علیه پروژه اسرائیل، مبنی بر اینکه اسرائیل قصد دارد مسیر وستر رود خانه اردن را در جنوب دریاچه حله راست و گود نماید؛ تسلیم شورای امنیت نمود و پس از مذاکرات در شورای امنیت، قرار بر این شد که اسرائیل هیچگونه پروژه‌ای را نباید در منطقه خلع سلاح شده اجرا نماید.

بار دیگر در سال ۱۹۵۳ کشور سوریه شکایتی علیه قصد اسرائیل تسلیم شورای امنیت نمود، مبنی بر اینکه اسرائیل قصد دارد مسیر رودخانه اردن را تغییر و کانالی در منطقه خلع سلاح شده جاری سازد.

سرلشگر بنیک، رئیس سازمان نظارت بر منار که جنگ و ایسته سازمان ملل متحد که در فلسطین انجام وظیفه مینمود، قرار می‌صادر کرد، مبنی بر اینکه اقدام اسرائیل به تغییر مسیر رودخانه که در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۵۳ شروع شده در مورد منطقه خلع سلاح شده مخالف مفاد قرارداد منار که جنگ می‌باشد.

شورای امنیت طی قطعنامه مورخ ۱۲۷ اکتوبر ۱۹۵۳ قرار می‌برد را تأیید نمود.

در سال ۱۹۵۹ پس از آنکه نقشه اسرائیل در مورد ادامه عملیات خود در خصوص تغییر مسیر رودخانه اردن آشکار و مسلم گردید اتحادیه عرب برای مقابله با وضعیکه پیش آمده دست با اقدامات

مختلفی زد.

بنابراین؛ بطوریکه توضیح داده شد، کشورهای عربی در آگاه ساختن جهانیان از نقشه‌های تجاوز کارانه اسرائیل و بامید اینکه افکار عمومی جهان و سازمان‌های بین‌المللی مانع اجرای این نقشه‌ها گردند، آنچه را در قدرت داشتند بعمل آوردند؛ لیکن تمامی اختلالاتی صادره از طرف آنها و هتاعی مذبذوله بی اثر مانده است.

اسرائیل با زهم اصرار در اجرای نقشه‌های خود دارد و همانطوریکه ملاحظه شد بیشتر کارهای مقدماتی مربوطه را برای تغییر مسیر رودخانه مزبور تکمیل کرده است.

ما بخوبی یخظرات مترتب بر این عمل اسرائیل، نه تنها برای کشورهای عربی و ملت عرب و فلسطین بلکه برای صلح و آرامش جهان آگاه می‌باشیم.

نظر باینکه تا تاریخ قطعی اقدام عملی اسرائیل به تغییر مسیر رودخانه‌های عربی وقت چندانی باقی نمانده و از طرفی سازمان‌های بین‌المللی اقدامی شایسته، برای جلوگیری از اجرای نقشه‌های تجاوز کارانه اسرائیل نسبت به حقوق اعراب بعمل نیاورده‌اند خود کشورهای عربی ناچار شده‌اند برای حفظ حقوق خویش و دفاع از منافع که دارند مستقیماً دست بکار شوند.

در فاصله میان ۱۳ و ۱۷ ژانویه ۱۹۶۴ (۲۳ و ۲۷ دیماء ۱۳۴۲) کنفرانس عالی سران کشورهای عربی در قاهره تشکیل گردید. در این کنفرانس تهدیدات مترتبه و اقدامات تجاوز کارانه دیگری که اسرائیل در مد نظر دارد مورد مطالعه و تصمیمات مقتضی اتخاذ گردید.

تصمیمات مزبور که بصورت ضمیمه این اطلاعیه مطبوعاتی تقدیم خوانندگان میشود، قطعی میباشد؛ کشورهای عربی مصممند؛ در صورتیکه اسرائیل از عزم خویش درباره نقشه‌های خود در مورد تغییر مسیر رودخانه‌ها منصرف نگردد، تصمیمات مزبور را به قیمتی شده اجرا نمایند.

کشورهای عربی مزبور بطور قاطع بیان داشته‌اند که ضمن اجرای تصمیمات عادلانه و دفاعی خویش در بانی روابط سیاسی و اقتصادی خود، با کشورهای دیگر، بر اساس روش آن کشورها در مقابل مبارزات عرب علیه نقشه‌های توسعه طلبانه صهیونیستها در جهان عرب، مورد تجدید نظر کنند.

نتیجه

در این خلاصه سعی نشده است که تجاوزات و تعدیات جدید اسرائیل نسبت به حقوق عرب تنها از دید نظر فاجعه فلسطین مورد بحث قرار گیرد، زیرا بطن قوی همه کس از جریاناتی که از آغاز دوران قیمومت تا بحال در فلسطین روی داده و چگونه کشور اسرائیل بوجود آمده آگاه میباشند.

متجاوز از یک میلیون عرب فلسطینی آواره و از میهن خود رانده شد هنوز که هنوز است گواه روشن این فاجعه میباشند، این آوارگان بانهایت عسرت و فقر در زیر چادرها بسر میبرند و از روزیکه صهیونیستها سرزمین آنها را مورد تجاوز قرار دادند و آثاری آواره نمودند پیوسته چشم‌براه روزی هستند که به میهن خویش بازگردند.

آوارگان عرب، اکنون از بالای مرزها ناظر اشغال کشورشان

از طرف بیگانگان میباشند و مشاهده مینمایند که مزارع آنها از طرف غاصبان کشت و زرع میشود و اینک مسیر آتقست از آبی که برای شروب نمودن مقدار نا چیزیه که از سرزمینهای آنها برای ایشان باقیمانده، در دست تغییر دادن است .

کشورهای عربیه عزم جزم و تصمیم راسخ دارند (و جای هیچگونه شك و تردید نیست) که تصمیمات متخذة در كنفرانس عالی سران دول عربیه را بهر قیمتی تمام شود ؛ اجرا نمایند .

و برای اینکه از نقشه‌های تغییر مسیر آب رودخانه‌های عربیه توسط اسرائیل جلوگیری کنند قطعاً اینکار را خواهند کرد .

ما بخوبی نقشه‌های اسرائیل را ملاحظه کرده ایم که میخواهد مقادیر عظیمی از آب رودخانه اردن را به صحرای نقب منحرف سازد و این خود تجاوز صریحی بحقوق عرب است ؛ زیرا لطامات شدید و جبران نا پذیر به قطعات زمینی از سرزمینهای عربیه میزند و سکنه عرب آنها را که منحصراً از راه کشاورزی ارتزاق میکنند پراکنده مینماید .

نقشه‌های اسرائیل به پروژه‌های آبیاری کشورهای عربیه و برنامه‌های آبادانی آنها صدمه شدیدی میزند و آبهای کم عمق ته رودخانه‌ها را از حیث استفاده می‌اندازد زیرا در نتیجه تغییر مسیر آب رودخانه و ذخیره کردن آن در دریاچه‌های شور ، بر میزان شوری آن ته آبها اضافه خواهد شد و همچنین بصنایع معدنی عرب در این منطقه آسیب میرساند

از اینها همه گذشته ، تغییر مسیر رودخانه‌های عربیه بصحرای نقب قسمتی از سیاست توسعه طلبی اسرائیل است که مستقیماً امنیت کشورهای

عربی را تهدید میکند و ضمناً کمک و مشوقی در راه اجرای طرحهای تجاوز کارانه اسرائیل علیه کلیه این منطقه می گردد .

ورود عده زیاد دیگری از مهاجرین یهود به سمت اسرائیل نشین فلسطین، مانع اجرای مفاد قطعنامه های سازمان ملل متحد میگردد که میگوید : باید آوارگان عرب فلسطین، به کشور خود باز گردانده شوند این آوارگان هنوز هم چشم براه اجرای عدالت جهانی هستند که مدتهای مدیدی است، یعنی شانزده سال است پیوسته در انتظار آن بوده اند اینان با مسالمت و شکیبائی کامل ولی بصورت مداوم و مستمر این حالت انتشار را تا بحال تحمل کرده اند :

بیانه شورای سلاطین و رؤساء کشور
های عضو اتحادیه عرب که طی نخستین
کنفرانس خود که در تاریخ ۱۳ تا ۱۷ ژانویه
۱۹۶۳ (۲۳ تا ۲۷ دیماه ۱۳۴۲) تشکیل گردید
صادر نمودند :

شورای سلاطین و رؤساء کشورهای عضو اتحادیه عرب در نخستین
جلسه خود که در مقر اتحادیه عرب در قاهره در فاصله میان ۲۳ تا ۲۷
دیماه ۱۳۴۲ بنا بر پیشنهاد حضرت جمال عبدالناصر رئیس جمهوری
متحد عربی تشکیل گردید . مقرر داشت که :

پس از بررسی تهدیدات و عملیات خصمانه و تجاوز کارانه مستمر
اسرائیل، از تاریخ اخراج مردم عرب فلسطین و مستقر ساختن خویش
بعنوان يك قیروی استعماری اشغال گرد در سرزمین آنها و پیروی از
سیاست تبعیض نژادی علیه ملت عرب و دنبال کردن روش خصمانه :

بعضی یایه سیاست خویش؛ بصورت امر واقع وانجام شده و نقض صریح قطعنامه های سازمان ملل متحد، ناظر بر اعاده حق طبیعی این عده از مردم بکشور خویش و عدم توجه به توییحهای صادره از طرف آژانسهای مختلف وابسته باین سازمان بین المللی و پس از مطالعه خطر تجاوز جدیدی که از طرف اسرائیل علیه آب رودخانه های کشور های عربی از طریق تغییر مسیر رودخانه اردن در شرف وقوع است و از این راه آسیبهای عظیمی به حقوق عرب که از این آبها استفاده مینمایند وارد خواهد شد و هدف صهیونیستها از این عمل، اجرای برنامه های توسعه طلبی خود از طریق تسهیل مهاجرت تعداد بیشتری از نیروهای تجاوز و برقراری مراکز تجاوز بیشتری بر علیه امنیت و توسعه کشور های عربی و صلح جهانی و در اجرای حق مشروع دفاع از خویش، با ایمان قاطع بحقا ئیت خواسته های مقدس اعراب فلسطین بد داشتن خود مختاری و آزاد کردن ملت خود از یوغ و رقیبت صهیونیهای استعمار گروایمان باینکه وحدت عرب تنها وسیله ایست که جلو نقشه های استعمار گران را بگیرد و منافع حقه عرب را تأمین مینماید و سطح زندگی مردم را بالا میبرد و برنامه های آبادانی و عمران را بهر حله عمل در می آورد، تصمیمات عملی مقتضی و لازم را برای از بین بردن خطر قریب الوقوع منتظره از ناحیه اسرائیل، اتخاذ نمودند؛ چه در زمینه های دفاعی و همکاری فنی و چه در زمینه تجهیز مردم فلسطین تا بتوانند در خویش را در مورد آزاد کردن کشور خود و تأمین خود مختاری خویش ایقا نمایند.

نتیجه مهم دیگر این شوری این بود که سلاطین و رؤسای دول

عضو اتحادیه عرب، با اتفاق آراء، توافق نمودند که با اختلافات موجود خاتمه دهند. محیط عربی را از غباری که آنرا آلوده نموده پاک کنند، کلیه تبلیغات علیه یکدیگر را متوقف نمایند. روابط میان کشورهای عربی برادر را تقویت نمایند؛ همکاری مشترک برقرار و نقشه‌های توسعه طلبانه و تجاوز گارانه ابراهه کلیه اعراب را متساوی و متقابل تهدید میکنند از خود دفع نمایند

شورا همچنین عقیده داشت که منافع عالی ملت عرب، تشکیل مکرر این گونه جلسات را از طرف سران این ممالک ایجاب میکند و مقرر گردید که سلاطین و رؤسای دول مزبور لا اقل سالی یکبار تشکیل جلسه دهند و قرار شد جلسه دیگر در ماه اوت ۱۹۶۴ در اسکندریه تشکیل گردد.

سلاطین و رؤسای دول عربی اعلام می دارند که ملت عرب از آن ملل و مردم جهان که از نعمت خود مختاری برخوردارند توقع دارند که در دفع خطر تجاوز جدید اسرائیل از یدل کمک جدی به آنها نمایند.

سلاطین و رؤسای دول عربی تأکید می نمایند که: در انتخاب و اتحاد این روش، عادلانه و دفاعی، روابط سیاسی و اقتصادی خویش را با سایر کشورها بر مبنای روش آن کشورها با مبارزات مشروع ملت عرب، علیه نقشه های صهیونیها در جهان عرب، تعدیل و تنسيق خواهند نمود.

سلاطین و رؤسای دول عربی همچنین اظهار امیدواری مینمایند که آن گروه از کشورهای آسیائی و آفریقائی که با اصول موضوعه از

طرف کتیرانس باندونگک مؤمن بوده و خویشان را در برابر منشور «ادیس با بانه» تعهد ساخته اند، قربانیهای زیاد در راه مبارزه با استعمار داده اند با تبعیضات نژادی جنگیده و پیوسته اسیر جنگال صهیونیسم و استعمار و مخاطرات و نقشه های شیطانی دیگر، خاصه در افریقا بوده؛ تماماً بطور جدی و واقعی عرب را در مبارزات قانونی و حقه آنها پشتیبانی و یاری نمایند.

همچنین از کلیه ملل آزاد که معتقد به برقراری صلح با عدالت هستند؛ توقع پشتیبانی دارند

سلاطین و رؤسای دول عربی ایمان؛ خود را به حقانیت مبارزات ملت عرب و لزوم پشتیبانی از این مبارزات در برابر استعمار، در قسمت جنوبی یمن اشغالی و در عمان تأیید و همچنین ایمان خویش را به حقانیت مبارزات ملی در انگولا و افریقای جنوبی و هر قسمت دیگر از جهان اعلام داشتند، زیرا بنظر آنها آزادی و عدالت تفکیک و تقسیم پذیر نیستند.

سلاطین و رؤسای دول عربی تأیید نمودند که با اعتقاد آنها مسائل بین المللی باید بر طبق موازین منشور ملل متحد از راههای مسالمت آمیز حل و فصل گردد و همچنین ایمان خویش را به اصل همزیستی مسالمت آمیز، میان ملل و پیروی از سیاست کشورهای غیر متعهد اعلام داشتند

در نتیجه داشتن اعتقادات مزبور، کشورهای عربی از عهد نامه منع آزمایشهای سلاحهای هسته ای مسکو، حسن استقبال کرده و در امضاء آن شتاب کردند و از مساعی دستجمعی در راه خلع سلاح کامل

عمومی. بنحوی که صلح جهان را تأمین نماید پشتیبانی میکنند در سایه اعتقاد راسخ آنها با اصول صلحی که بر مبنای مساوات و عدالت استوار باشد و تصمیم آنها بشرکت در امور اقتصادی جهان، از طریق محور عقب افتادگیهای اقتصادی و اجتماعی، کشورهای عربی را در کنفرانس توسعه امور اقتصادی که در بهار سال ۱۹۶۳ تشکیل گردید ایفاء نمودند و مصمم هستند که با همان روحیه و عزم راسخ در کنفرانس بین المللی عمران و بازرگانی که قرار است امسال تشکیل گردد شرکت نمایند

سلاطین و رؤسای دول عربی از منشور وحدت افریقا که در متن آن امیدهای تازه ای بصلح و آزادی و مساوات در افریقا و جهان مشاهده میکنند، حسن استقبال مینمایند.

بعلاوه بار دیگر تصمیم خویش را نسبت بنشدید همکاری میان کشورهای آسیائی و افریقائی که مخصوصاً باتشکیل کنفرانس باندونگ در سال ۱۹۵۵ آغاز گردید، تأیید مینمایند.

در این مورد سلاطین و رؤسای دول عربی علاقمندی و پابندی خویش را بوظائفی که در برابر ملت عرب و در مقابل احترام بحیثیت و شرافت خانواده بشریت و خدمت بصلح و پیشرفت جهان دارند، اظهار و تأیید نمودند.

قیمت : ۷۰ ریال

شماره ثبت کتابخانه ملی

۱۸۳۸
۳۵/۱۲/۲۱

انتشارات جهان آرا

حق طبع محفوظ

تهران ناصر خسرو کوچه
حاج نایب باعاز خاتمی